

فصلنامه محیط راهبردی

سال چهارم، شماره ۱۲، پائیز ۱۳۹۹

مقاله پژوهشی، صفحه ۴۱ تا ۸۴

بررسی تأثیر بعد سیاسی مکتب امنیتی ج.ا.ایران بر چالش‌های امنیتی رژیم صهیونیستی

محمد عباسی^۱، هادی فرهادی^۲

پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۷/۰۸

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۵/۲۱

چکیده

گذشت بیش از سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، اکنون شاهد بلوغ مکتب امنیتی با ویژگی‌های اسلامی در منطقه و جهان می‌باشیم. این مکتب امنیتی در رویاروی با سایر مکاتب امنیتی قرار گرفته و اثرات امنیتی ویژه‌ای بر جای گذاشته است. تاجائی که رفتار برخی مکاتب را تغییر و حتی دگرگون ساخته است. رژیم صهیونیستی نیز در تقابل با مکتب امنیتی ج.ا.ایران، از این امر مستثنی نبوده و چالش‌های امنیتی آن رژیم را تحت تأثیر قرار گرفته است. لذا طبیعی است که واکنش‌های این رژیم نیز اثرات منفی بر مکتب امنیتی ما بگذارد. بنابراین شناخت اثرات مکتب امنیتی ج.ا.ایران در سایر مکاتب و بررسی واکنش‌های احتمالی در جلوگیری از غافلگیری از ضروری‌ترین و محوری‌ترین مباحث در موضوع مقابله با تهدیدها، تأمین امنیت و دفاع از یک ملت بشمار می‌آید. امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام) در این باره می‌فرمایند: «من نام عن عدوه انبهته المکاید. کسی که در برابر دشمنش به خواب رود (از او غافل بماند) حیل‌های (غافلگیرانه دشمن) او را از خواب بیدار می‌کند.» (غررالحکم: ۳۴۴). این پژوهش ضمن بررسی ابعاد مکتب امنیتی ج.ا.ایران، در پی پاسخ به این پرسش است که چگونه بعد سیاسی مکتب امنیتی ج.ا.ایران بر چالش‌های امنیتی رژیم صهیونیستی موثر است؟

کلیدواژه‌ها: امنیت، مکتب امنیتی ج.ا.ایران، چالش‌های امنیتی، رژیم صهیونیستی

^۱ - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)

^۲ - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)

مقدمه

بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) می‌فرماید: «نباید غافل باشیم، ما باید بیدار باشیم و توطئه‌های آن‌ها را قبل از اینکه با هم جمع بشوند خنثی کنیم.» (صحیفه نور، ج ۷: ۴۸) «همچنین رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند: «از سان با هوشیاری و زیرکی، حرکت‌های دشمن را تفرّس کند، زیر نظر بگیرد و هدف‌های دشمن را کشف کند؛ این خیلی مهم است. اگر شما در یک مبارزه‌ی شخصی، در یک دفاع شخصی که در مقابل یک حریف قرار می‌گیرید، بتوانید حرکت او را پیش‌بینی کنید، هیچ ضربه‌ای نخواهید خورد. اگر حواستان پرت شد، غافل شدید، تمرکز را از دست دادید، به چیز دیگری سرگرم شدید، نتوانستید پیش‌بینی کنید که او چه کار می‌خواهد بکند، حتماً ضربه می‌خورد. دشمن که نخواهد دیده، او بیدار است...» (سخنرانی ۱۳۹۱/۱۰/۱۹). در واقع برای تصمیم‌گیری و چگونگی واکنش در برابر دشمن باید او را شناخت، به اهدافش پی برد و روش‌های او را در ضربه زدن و رسیدن به اهدافش بازشناخت همچنان که باید موقعیت و شرایط دشمن را از حیث نقاط ضعف و قوت مورد مطالعه قرار داد.

مروری بر جنگ‌های گذشته رژیم صهیونیستی و حساسیت‌های امنیتی ابراز شده از سوی این رژیم، نشانگر خطوط قرمز امنیتی متعددی است که عبور از آنها موجب برخورد جدی، تشدید خطر جنگ و نزدیک شدن به آن اعلام شده که تحت عناوین زیر طبقه‌بندی شده است:

تهدید موجودیت کشور و صهیونیست‌ها؛ مانند جنگ به اصطلاح استقلال در سال ۱۹۴۸م.

به هم خوردن موازنه نظامی در منطقه به نفع اعراب (موازنه نظامی همیشه باید به نفع رژیم صهیونیستی باشد)؛ مانند جنگ ۱۹۵۶م که در اثر خرید تجهیزات جدید نظامی توسط ناصر از چکسلواکی به وجود آمد.

تهدید شدید اقتصادی از سوی اعراب که به تنگناهای حاد امنیتی رژیم صهیونیستی منجر شود؛ مانند ملی کردن کانال سوئز و بستن تنگه تیران بر روی کشتیرانی تجاری بازرگانی رژیم صهیونیستی توسط مصر که به جنگ ۱۹۵۶م انجامید و اتحاد سیاسی - نظامی چند کشور عربی که به مرحله اقدام نظامی نزدیک شده باشد؛ مانند جنگ ۱۹۶۷م که در اثر اتحاد مصر، سوریه و اردن، و تصمیم جدی آن کشورها برای مقابله با رژیم صهیونیستی به وجود آمد.

تحریم نفتی اعراب علیه غرب و رژیم صهیونیستی که به جنگ ۱۹۷۳م منجر شد.

تهدید امنیتی شدید نسبت به زندگی عادی شهروندان رژیم صهیونیستی و اختلال در روند جامعه؛ مانند انفجار اتوبوس در جاده ساحلی توسط فدائیان فلسطینی که منجر به عملیات لیطانی در سال ۱۹۷۸م شد.

استقرار موشک‌های سام-۶ سوریه در کوهستان جنین لبنان که موجب اقدام نظامی و بمباران هوایی رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۸۱م شد.

تهدید شدید سیاسی نسبت به اهداف و منافع حیاتی رژیم صهیونیستی؛ مانند حمله هوایی ۸ فوریه ۲۰۰۰م رژیم صهیونیستی علیه نیروگاه‌های برق لبنان که در پی ترور عقل هاشم، مرد شماره ۲ ارتش آنتوان لحد اتفاق افتاد.

اعلان و ایجاد یک کشور مستقل فلسطینی چه در بخشی از سرزمین رژیم صهیونیستی و چه در همسایگی آن.

امکان دستیابی کشورهای عربی به سلاح‌های هسته‌ای و کشتار جمعی؛ مانند بمباران نیروگاه هسته‌ای اسیراک عراق در سال ۱۹۸۱م و در سال ۲۰۰۷م تأسیسات هسته‌ای دیرالزور سوریه.

در حال حاضر، ابهام در تحولات منطقه‌ای، رژیم صهیونیستی را با خاورمیانه‌ای متفاوت و جدید روبرو کرده است. این وضعیت، محیط امنیتی و

ژئوپلیتیک پیرامون رژیم صهیونیستی را دچار تحول کرده که مطابق دکترین امنیتی ملی رژیم صهیونیستی، چالش امنیتی به شمار می‌رود.

اهمیت و ضرورت تحقیق

علی‌رغم اهمیت شناخت دشمن و شناخت محیط امنیتی داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و دشمنان بالقوه و بالفعل بخصوص آشکارترین دشمن نظام جمهوری اسلامی ایران یعنی رژیم صهیونیستی پژوهش‌های نادری در این دوره در مورد رژیم صهیونیستی صورت گرفته است. از این حیث دشمن‌شناسی از ضروری‌ترین و محوری‌ترین مباحث در موضوع مقابله با تهدیدها، تأمین امنیت و دفاع از یک ملت بشمار می‌آید. امام امت، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای نیز در بیانات ۱۹ دی ۱۳۹۱، خواستار رصد و زیر نظر گرفتن حرکت‌ها و رفتار دشمن شدند. یعنی دغدغه ایشان شناخت و مطالعه رفتار دشمن می‌باشد.

هدف تحقیق

هدف اصلی این تحقیق شناخت اثرات مکتب امنیتی ج.ا.ایران بر چالش‌های امنیتی رژیم صهیونیستی می‌باشد.

سوال تحقیق

چگونه بعد سیاسی مکتب امنیتی ج.ا.ایران بر چالش‌های امنیتی رژیم صهیونیستی موثر است؟

فرضیه تحقیق

بعد سیاسی مکتب ج.ا.ایران با تأثیر بر مولفه‌های کاتالیزور عناصر نقشه ساختاری و ملزومات امنیتی رژیم صهیونیستی بر میزان چالش‌های امنیتی رژیم صهیونیستی افزوده و اثرگذار است.

روش تحقیق

با توجه به موضوع تحقیق و استفاده‌ای که می‌توان از نتایج حاصله برای درک آن برد، این تحقیق از نوع کاربردی و روش تحقیق از نظر ماهیتی توصیفی-تحلیلی می‌باشد.

باشد. روش و ابزار گردآوری اطلاعات روش کتابخانه‌ای - اسنادی شامل کتب، نشریات، پایان نامه‌ها، مقالات، سایت‌های اینترنتی می‌باشد.

مبانی نظری تحقیق

در این پژوهش به مبانی نظری واقع‌گرایان، لیبرالیسم، مکتب کپنهاک، سازه‌انگاری و انتقادی که نظریه‌های برجسته در مطالعات امنیتی هستند و همچنین ابعاد امنیت از دیدگاه حضرت امام خمینی ره و مقام معظم رهبری و آیات و روایات، اشاره مختصری می‌گردد.

مفروضات امنیتی رئالیستی (واقع‌گرایان)

تفکر و نگرش امنیتی واقع‌گرایان بر پنج مفروض اساسی پایه‌ریزی گردیده است و این مفروضات در واقع مبنا و پایه رویکردهای امنیتی این رهیافت را شکل می‌دهد. این نگرش امنیتی «هرج و مرج گونه بودن نظام بین‌الملل» را اولین فرض اساسی امنیت دانسته و مراد از این مفروض را وجود بی‌نظمی در نظام بین‌الملل معرفی نمی‌کند، بلکه به معنای آن می‌داند که هیچ‌گونه اقتدار برتری به منظور ایجاد قواعد و رویه‌های قانونی وجود ندارد و حاکمیت ذاتی کشورهاست. دومین فرض اساسی این نگرش، «گرایش کشورها به کسب و یا حفظ حداقلی از توانمندی‌های تهاجمی نظامی» است به نحوی که کشورها به‌طور بالقوه برای یکدیگر خطرناک می‌داند. فرض سوم این گرایش «فقدان اعتماد به دیگران» می‌باشد که در آن کشورها هرگز نمی‌توانند از مقاصد سایر کشورها مطمئن شوند. زیرا مقاصد و انگیزه‌ها پایدار نمی‌باشند. «بقا موتور محرک کشورها» فرض چهارم این نگرش و اساسی‌ترین انگیزه‌ای است که دولت‌ها را به حرکت درمی‌آورد. «تفوق منطق راهبردی و عقلانی بر نگرش و رفتار دولت‌ها» پنجمین فرض این نگرش بوده و عنوان می‌نماید که دولت‌ها در مورد چگونگی بقا در نظام بین‌الملل راهبردی فکر می‌کنند. از سوی دیگر دولت‌ها اساساً خردمند هستند ولی در دنیای اطلاعات ناقص عمل می‌نمایند.

واقع‌گرایان معتقد هستند که دولت‌ها بازیگران مسلط و اصلی نظام بین‌المللی می‌باشند و از همین جا نتیجه می‌گیرند که دولت‌ها باید مرجع امنیت قرار داده شوند. (عبدا... خانی، ۱۳۸۳: ۵۷)

مفروضات امنیتی لیبرالیستی

برخلاف نظم رئالیستی که امنیت رمز عبور می‌باشد در نظم لیبرالیستی، آزادی رمز عبور است. بر همین اساس مبانی مطالعات امنیتی لیبرالیست‌ها برخلاف رئالیست‌ها که مبتنی بر جنگ می‌باشد، بر صلح متکی است. پیروزی در جنگ همواره دو معنا دارد: «ایمنی بیشتر فعلی» و «تهدید و ناامنی آتی».

لیبرال‌ها در خصوص مسائل امنیتی دارای رویکرد‌های مختلفی هستند به طوری که در خصوص جنگ برگزیده امپریالیسم، موازنه قوا و رژیم‌های غیردمکراتیک تأکید دارند. در خصوص صلح‌سازی به گزینه امنیت جمعی، روابط تجاری، حکومت جهانی و تغییر عقاید اعتقاد دارند و در خصوص تعامل میان دولت‌های لیبرال با دولت‌های غیرلیبرال به گزینه تحول، تغییر و یا سلطه اعتقاد دارند. (عبدا... خانی، ۱۳۸۳: ۵۸)

مکتب کپنهاک

باری بوزان و آل ویور دو تن از شخصیت‌های مهم و پایه‌گذاران این مکتب می‌باشند. بوزان یک نو واقع‌گرا و ویور یک واقع‌گرای ساختاری می‌باشد. بوزان پنج عامل (پیچیدگی موضوع، حل شدن امنیت در مفهوم قدرت، واکنش علیه رئالیسم افراطی، ماهیت مطالعات استراتژیک و استفاده ابزاری از امنیت) را علل توسعه نیافتگی و عقب ماندگی مفهوم امنیت عنوان می‌کند؛ بوزان امنیت را «رهایی از تهدید» معرفی می‌نماید و معتقد است امنیت در نبود مسئله دیگری به نام «تهدید» درک می‌شود. وی نقطه آغازین مسئله امنیتی یا موضوع امنیت را ذهنی و مبتنی بر تصمیم بازیگران می‌داند. با توجه به آموزه‌های مکتب کپنهاک می‌توان نتیجه گرفت از نظر ایشان امنیت مفهومی توأمان ذهنی و عینی است. مکتب کپنهاک امنیت را در پنج

سطح شامل فردی، اجتماعی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مورد مطالعه قرار می‌دهد. اما امنیت فردی را مردود می‌شمارد. (عبدا... خانی، ۱۳۸۳: ۶۳)

مفروضات امنیتی در سازه‌انگاران

مطالعات امنیتی سازه‌انگاران بر دو فرض عمده بنا شده است اول آنکه ساختارهای اساسی سیاست بین‌الملل ساخته و پرداخته ساختارهای اجتماعی است و دوم آنکه تغییر تفکر در خصوص روابط بین‌الملل می‌تواند منجر به تغییر وضعیت امنیت بین‌الملل و بهبود آن گردد. این فرض به آن معنا است که چنانچه تفکرها تغییر کند، وضعیت امنیتی نیز تغییر خواهد کرد.

مطالعات امنیتی سازه‌انگاران در حد فاصل مطالعات امنیتی خردگرایان و واکنش‌گرایان قرار دارد و می‌کوشد تا این دو مجموعه را به یکدیگر متصل نماید. مفروضات اصلی سازه‌انگاران این است که در عرصه روابط بین‌الملل در چهار عقیده اشتراک نظر دارند. نخست این که بازیگران و ساختارها به صورت متقابل ساخته می‌شوند. بازیگران ساختارها را شکل می‌دهند و ساختارها رفتار بازیگران را تعیین می‌کنند. دوم آنکه هویت و منافع، متغیرهای درونی هستند. هویت‌ها به صورت مستمر از طریق تعامل بازیگران ساخته می‌شود و منافع از هویت‌های خاص سرچشمه می‌گیرد. سوم، سازه‌انگاران قدرت را صرفاً در عوامل مادی خلاصه نمی‌نمایند و بر قدرت ایده‌ها و اندیشه‌ها نیز تأکید دارند و در آخر آنکه سازه‌انگاران به ارائه چارچوب مختص به خود برای تشریح تغییرات بین‌المللی همت گماشته‌اند. (عبدا... خانی، ۱۳۸۳: ۶۵)

مطالعات انتقادی امنیت

گزاره‌های این رهیافت را به شرح زیر می‌توان آورد:
امنیت مفهومی ذهنی است (عین و ذهن یک کل مرتبط با هم هستند)؛
امنیت در بستر جامعه قابل درک و فهم است (جامعه‌شناسی امنیت)؛

نظریه نقش هدایتی در تنظیم عمل استراتژیک برای رسیدن به امنیت دارد؛ تضعیف و تغییر گفتمان سلطه‌جویانه هدف اصلی است (از طریق نقد دائم، ترویج جنبش‌های آزادی‌خواهانه، ارائه هنجارهای نوین بین‌المللی)؛

موضوعات امنیتی صرفاً در حوزه تعامل دولت و نظام قرار ندارد، بلکه ناشی از پیوند حوزه‌های داخلی (دولت، جامعه، افراد، سازمان‌های غیردولتی) با حوزه‌های خارجی به صورت کل یا جداگانه (ساختارهای بین‌الملل، سازمان‌های بین‌المللی، سایر جوامع و دولت‌های دیگر) می‌باشد؛

امنیت ابزار و وسیله است نه هدف؛

امنیت انتظارات، شرط ثبات سیستم است؛

شکاف میان آنچه داریم و آنچه می‌خواهیم فضای ناامنی را تشکیل می‌دهد (اصل ثبات مبتنی بر رضایت)؛

شرایط، زمان‌ها و مکان‌های متفاوت نیاز به نظریه‌های امنیت متفاوت دارد (نظریه امنیتی مبتنی بر وضعیت)؛ ۱۰. امنیت وضعیتی کاملاً پویا است (حفظ وضع موجود ضدامنیتی است)؛ ۱۱. پیوند میان نظریه و عمل امنیتی (رابطه کارشناس و مردم). (عبدا... خانی، ۱۳۸۳: ۷۰)

مکتب امنیتی در جهان سوم

این مکتب در دوران جنگ سرد ظاهر شد. «کارولین توماس» و «محمد ایوب» دو تن از نظریه‌پردازان این مکتب هستند.

میان مفهوم امنیت در جهان سوم با امنیت در جهان غرب از نظر اندیشمندان امنیتی جهان سوم تفاوت‌هایی وجود دارد.

در جهان غرب امنیت بیشتر خارجی است در حالی که در جهان سوم بیشتر مسئله‌ای داخلی است.

در جهان غرب امنیت دارای پیوستگی مثبت با نظام بین‌الملل می‌باشد در حالی که در جهان سوم امنیت با نظام بین‌الملل بیشتر رابطه منفی دارد. یعنی نظام بین‌الملل در جهت تشدید ناامنی در جهان سوم عمل می‌نماید. در جهان غرب امنیت عمدتاً از طریق اتحاد‌های سازنده تأمین شده است در حالی که در جهان سوم چنین شرایطی مهیا نشده است.

ایوب معتقد است ایده امنیت در جهان سوم دولت محور و مبتنی بر موضوعات سیاسی است. بنابراین موضوعات امنیت در کلیه حوزه‌ها باید از فیلتر حوزه سیاسی بگذرد. (عبدا...خانی، ۱۳۸۶: ۳۷)

مکتب امنیتی ج.ا.ایران

مکتب امنیتی در ج.ا.ایران هرچند که از مکتب امنیتی در جهان سوم متأثر است، اما با گذشت چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و رویاروی این انقلاب با انواع چالش‌های امنیتی، اکنون به بلوغ خود رسیده و تبدیل به مکتبی بالنده و قابل تسری در سایر کشورهاست. لذا ابعاد آن نیازمند بررسی است.

۷-۱) ابعاد امنیت در اندیشه امام

دیدگاه امام به امنیت و ابعاد آن از مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناختی و سیاست‌شناسی ایشان می‌باشد که ابعاد امنیت در اندیشه امام را به شرح ذیل می‌توان توضیح داد.

۷-۱-۱) بعد معنوی و اخروی امنیت

از دید ایشان متولیان اداره و تدبیر امور جوامع انسانی برای این‌که از دایره فطرت انسانی خارج نشوند نباید به سمت مفاسد گرایش پیدا کنند و از پیدایش این عمل جلوگیری کنند. امام اصولاً بعد اصلی امنیت انسان-ها را بعد اخروی آن دانسته و امنیت این جهانی در توحش و ابعادش را، مقدمه ای برای تحقق امنیت اخروی می‌داند. زیرا معتقد است که دولت‌ها اگر در تحقق ابعاد مختلف ابعاد مادی امنیت به موفقیت کامل دست یابند، اما توجهی به بعد معنوی شهروندان خود نداشته باشند،

صرفاً نیاز های مادی و حیوانی شهروندان خود را تأمین نموده و این خلاف فطرت بشری است.

۲-۱-۷) بعد مادی و دنیوی امنیت

با وجود رجحان و برتری بعد اخروی امنیت در اندیشه اهام، نمی توان این حقیقت را کتمان نمود که تحقق این بعد از امنیت، آنگاه امکان پذیر است که انسان در حیات دنیوی و مادی خویش، چه در سطح فردی و اجتماعی و چه در جنبه های مختلف آن (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی، روانی و ...) از امنیت برخوردار باشد. با تأمل در آثار مختلف امام خمینی (ره)، می توان جنبه ها و وجوه گوناگونی را برای بعد مادی امنیت که دولت اسلامی مؤظف به تأمین آن هاست، برشمرد.

۳-۱-۷) بعد سیاسی

هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آن وارد شود یا کسی را جلب کند، یا نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت کند... یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند و یا برای کشف گناه و جرم هرچند گناه بزرگ باشد شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد... (صحیفه امام ج ۱۷ ص ۱۴)

مسئله حفظ نظام جمهوری اسلامی در این عصر و با وضعی که در دنیا مشاهده می شود و با این نشانه گیری هایی که از چپ و راست و دور و نزدیک نسبت به این مولود شریف می شود، از اهمّ واجبات عقلی و شرعی است که هیچ چیز به آن مزاحمت نمی کند؛ و از اموری است که احتمال خلل در آن عقلاً منجز است. (صحیفه امام ج ۱۹، ۱۴۶). ... جنگ ما بیداری پاکستان و هندوستان را به دنبال داشت ... (همان). ... و از همه اینها مهمتر استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ تحقق یافت. در حالی که صدای اسلام خواهی آفریقا از جنگ هشت ساله ماست. علاقه به اسلام شناسی مردم در آمریکا و اروپا و آسیا و آفریقا یعنی در کل جهان از جنگ هشت ساله ماست ... (همان)

۴-۱-۷) بعد اقتصادی

«... ما در جنگ به این نتیجه رسیدیم که باید روی پای خودمان بایستیم...» (همان)

۵-۱-۷) بعد فرهنگی-اجتماعی

این‌ها نیروهای انسانی ما را از بین بردند، نگذاشتند رشد بکنند. در بین خود کشور ما جوری کردند که محتوای انسان را از بین بردند، یک صورتی گذاشتند و محتوا را گرفتند. طوری کردند که اعتماد ما هم به خودمان تمام شد. استقلال فکری ما را، استقلال روحی ما را، از دست ما گرفتند. این بدتر از آن استقلال گرفتنی بود که کشور ما استقلال نداشت. (صحیفه امام، ج ۸، ص: ۲۳): «... ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده‌ایم. ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده‌ایم. ما در جنگ پرده از چهره تزویر جهانخواران کنار زدیم...» (همان، ج ۲۱: ۲۸۳-۲۸۴). «... ما در جنگ ریشه‌های انقلاب پر بار اسلامی‌مان را محکم کردیم...» (همان) اجتماعی «... ما در جنگ حس برادری و وطن دوستی را در نهاد یکایک مردمان بارور کردیم...» (همان)

۶-۱-۷) بعد نظامی

... و ما ایستاده‌ایم در مقابل دفاع از کشور خودمان و دفاع از اسلام عزیز در مقابل هر مهاجم. مهاجم می‌خواهد ابرقدرت باشد، می‌خواهد قدرت کم، فرقی در نظر ما نیست. ما واجب است برایمان دفاع کنیم از نوامیس اسلام و نوامیس خودمان و دفاع کنیم از کشور اسلامی خودمان و مادامی که در حال دفاع هستیم، با هر قدرتی که بخواهد هجمه بکند بر ما، مقابله می‌کنیم و هیچ هراس نداریم. (صحیفه امام ج ۱۷: ۴۰۲). حفظ ثغور اسلام جزء فرایضی است که هیچ فریضه‌ای بالاتر از آن نیست؛

حفظ اسلام است .. (صحیفه امام ج ۱۶ ۴۶۵). حفظ مرزهای کشور اسلامی و جلوگیری از تسلط تجاوزگران بر آن عقلاً و شرعاً واجب است. (کتاب البیع، ۴۶۲) جنگ ما کمک به فتح افغانستان را به دنبال داشت. جنگ ما فتح فلسطین را به دنبال خواهد داشت...»(همان). «... تنها در جنگ بود که صنایع نظامی ما از رشد آن چنانی برخوردار شد...»

۷-۱-۷) بعد اعتقادی

در حکومت اسلامی همه افراد دارای آزادی هرگونه عقیده‌ای هستند. (صحیفه امام، ج ۴ - ص ۴۳۵)
در جمهوری اسلامی، هر فردی از حق آزادی بیان و عقیده برخوردار خواهد بود. (صحیفه امام ج ۵ - ص ۱۳۹)
ما خودمان را باید فدا کنیم برای اسلام، آمال و آرزوهایمان را باید فدا کنیم برای اسلام (صحیفه امام ج ۱، ص: ۳۰۷)
تکلیف ما این است که از اسلام صیانت کنیم و حفظ کنیم اسلام را. (صحیفه امام ج ۱۳، ص: ۲۵۱)

من به تمام دنیا با قاطعیت اعلام می‌کنم که اگر جهانخواران بخواهند در مقابل دین ما بایستند، ما در مقابل همه دنیای آنان خواهیم ایستاد. (صحیفه امام، ج ۲۰، ص: ۳۲۵) حفظ اسلام یک فریضه الهی است، بالاتر از تمام فرائض؛ یعنی هیچ فریضه‌ای در اسلام بالاتر از حفظ خود اسلام نیست. (صحیفه امام، ج ۱۵، ص: ۳۲۹) جنگ ما موجب شد که تمامی سردمداران نظام‌های فاسد در مقابل اسلام احساس ذلت کنند...»(همان)

۷-۱-۸) بعد هستی‌شناختی و هویتی

من باز می‌گویم همه مسئولان نظام و مردم ایران باید بدانند که غرب و شرق تا شما را از هویت اسلامی‌تان - به خیال خام خود شان - بیرون نبرند، آرام نخواهند نشست. (صحیفه امام، ج ۲۱، ص: ۳۲۸)

من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران با تهمت و جود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند. (صحیفه امام ج ۲۱، ص ۹۱)

۹-۱-۷) بعد زیست محیطی

جناب حجت الاسلام آقای قدیری - دامت افاضاته.

پس از عرض سلام و قبل از پرداختن به دو مورد سؤال و جواب، اینجانب لازم است از برداشت جنابعالی از اخبار و احکام الهی اظهار تأسف کنم.... امروز هم شیعیان می‌توانند بدون هیچ مانعی با ماشین‌های کذایی جنگل‌ها را از بین ببرند و آنچه را که باعث حفظ و سلامت محیط زیست است را نابود کنند و جان میلیون‌ها انسان را به خطر بیندازند و هیچ کس هم حق نداشته باشد مانع آنها باشد، منازل و مساجدی که در خیابان‌کشی‌ها برای حل معضل ترافیک و حفظ جان هزاران نفر مورد احتیاج است، نباید تخریب گردد و امثال آن. و بالجمله‌آنگونه که جناب‌عالی از اخبار و روایات برداشت دارید، تمدن جدید بکلی باید از بین برود و مردم کوخ نشین بوده و یا برای همیشه در صحراها زندگی نمایند. (صحیفه امام ج ۲۱: ۱۴۹)

۲-۷) ابعاد امنیت از دیدگاه امام خامنه‌ای

با توجه به موضوع تحقیق، در این قسمت از بحث به بررسی ابعاد امنیت ملی از

منظر امام خامنه‌ای می‌پردازیم:

۱-۲-۷) امنیت فردی

امنیت فردی را باید در ایمان واقعی و آرامش روحی و اطمینان و طمأنینه نفس و یاد خداوند متعال جستجو کرد: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (قرآن مجید، ص. رعد ۲۸) یعنی همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان با یاد خدا آرام می‌گیرد، آگاه باشید که تنها یاد خدا آرام بخش دل‌هاست. «دشمنان امنیت مردم، دوست دارند که مردم در ناامنی زندگی کنند، ناراحت بشوند، کلافه بشوند، عصبانی بشوند؛ ما این را نمی‌خواهیم. ما می‌خواهیم مردم زندگی‌شان، زندگی آرامی باشد؛ دانشجو بتواند درس بخواند؛ طلبه بتواند درس بخواند؛ دانشمند بتواند تحقیق خودش را بکند؛ صنعتگر، کشاورز، بازرگان، بتوانند همه کارشان را انجام بدهند» (امام‌خامنه‌ای، در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون ، ۱۳۸۸/۰۹/۲۲).

«وظیفه‌ی دستگاه‌های مسئول است که دشمنان ملت را در ست بشناسند؛ ایادی دشمن را در میان مردم بدانند؛ جهتگیری‌های دشمنان را بشناسند و از حق ملت دفاع کنند؛ از امنیت ملت دفاع کنند؛ از دانش‌پژوهی و پیشرفت علمی در کشور دفاع کنند؛ این وظیفه‌ی دستگاه‌های مسئول است» (امام‌خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۰۳/۱۴).

۲-۲-۷) امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی را باید در سایه تقوا و عدالت و رعایت حرمت و حقوق انسان‌ها و دفاع از مظلومان و محرومان و برخورد با مفسدان و مجرمان و بزهکاران و رفع فقر و رفاه و تأمین معیشت مردم و حفظ آزادی‌های مشروع و حاکمیت عدل و حق و قانون و معیارهای انسانی و الهی جستجو کرد.

قرآن کریم شرایط جامعه ایده‌آل اسلامی و آینده تاریخ بشر را بیان می‌کند، بر این اصول تأکید نموده و مؤلفه‌ها و شاخصه‌های جامعه پیشرفته و متعالی و در حال پویایی و ارتقای مادی و معنوی اسلامی را چنین ارائه می‌دهد:

در کار ایجاد امنیت و دادن احساس امنیت به آحاد مردم، جنبه‌های سیاسی و جناحی و گرایش‌های گوناگون و اختلاف مذهب و اختلاف قومیت و اینها، هیچ

تأثیری نباید بگذارد. امنیت در جامعه مال همه است. تنها کسی باید احساس ناامنی بکند که در صدد است امنیت مردم را متزلزل کند و بر آن آسیب وارد کند. فقط او باید احساس ناامنی کند از ناحیه‌ی شما؛ و آلا همه‌ی آحاد ملت با هر مذهبی، با هر دینی، با هر گرایش سیاسی‌ای، با هر سلیقه‌ای فرق نمی‌کند؛ همه یک‌سانند در برابر وظیفه‌ی بزرگی که بر دوش شماست، که ایجاد امنیت است. (امام‌خامنه‌ای، بیانات در هفدهمین دوره‌ی دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی، ۱۳۸۶/۰۸/۱۶).

امنیت در یک کشور - چه امنیت اجتماعی و مدنی، چه امنیت روانی و اخلاقی - یکی از پایه‌ها و ارکان اصلی پیشرفت و قوام و سربلندی کشور است. بدترین بلائی که می‌توان بر سر یک ملت رو به رشد و پیشرفت وارد آورد، سلب امنیت است. وقتی امنیت وجود نداشت، فکر منتظم و به دنبال آن، عمل منتظم هم وجود نخواهد داشت و پیشرفت می‌سر نخواهد شد (امام‌خامنه‌ای، دانشگاه علوم انتظامی، ۱۳۹۰/۰۶/۲۹).

«... اینها اهمیت امنیت را نشان می‌دهد. علاوه‌ی بر اینها، در مواجهه‌ی میان نیروی اهریمنی استکبار بین‌المللی - که امروز خطر بزرگی برای ملت‌های مستقل است - یکی از کارهایی که آنها به طور دقیق دنبال می‌کنند، ایجاد ناامنی است؛ چه ناامنی اجتماعی، چه ناامنی اخلاقی و معنوی و روحی. ثابت شده است که ترویج مواد مخدر به دنبال طراحی‌های پشت صحنه‌ای است که سیاستگذاران استکبار نسبت به کشورهای مبعوض خود شان از چغام می‌دهند. عیناً همین مسئله در ترویج بی‌بندوباری، در سست کردن ایمان‌ها، سست کردن پایه‌های اخلاقی در یک جامعه وجود دارد. اینها همه، اهمیت پاسداری از امنیت را بیشتر می‌کند» (امام‌خامنه‌ای، دانشگاه علوم انتظامی، ۱۳۹۰/۰۶/۲۹).

۳-۲-۷) امنیت اقتصادی

«نکته نهم [از مؤلفه‌های سیاست‌های مقاومتی]، فساد ستیزی است؛ ما اگر می‌خواهیم مردم در صحنه اقتصاد باشند، باید صحنه اقتصادی امنیت داشته باشد؛ اگر

امنیت را می‌خواهیم، بایستی دست مفسد و سوء استفاده‌چی و دورزننده قانون و شکننده قانون بسته بشود؛ مبارزه با فساد این است؛ این باید جدی گرفته بشود؛ امروز خوشبختانه مسئولین این را می‌گویند، لکن گفتن کافی نیست. همه مسئولین - چه مسئولین اجرائی، چه مسئولین قضائی و چه مسئولین قوه مقننه - در این جهت مسؤولند. اگر چنانچه وضع اجتماع، وضع اقتصادی کشور مثل یک خانه بی‌در و دروازه‌ای بود که هرکه خواست آمد، هر جور خواست عمل کرد، هر چه خواست برد، خورد، خُب معلوم است، انسان نجیب شایسته متینی که می‌خواهد از راه حلال ارتزاق کند، طبعاً جلو نمی‌آید» (امام‌خامنه‌ای، در جلسه تبیین سیاستهای اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

«دشمن می‌داند که شرط سرمایه‌گذاری و ایجاد ثروت، امنیت است و نمی‌خواهند سرمایه‌گذاری و ایجاد ثروت در این منطقه انجام بگیرد، لذا سعی خواهند کرد با امنیت مقابله کنند. سعی می‌کنند امنیت را به هم بزنند. البته این را هم با اطمینان کامل به شما بگویم که نیروهای مؤمن و وفادار جمهوری اسلامی به کمک همین مردم و همین جوانها با عوامل ناامنی بشدت برخورد خواهند کرد و هرگونه مجال ناامنی را به لطف الهی از آنها خواهند گرفت» (امام‌خامنه‌ای، دیدار با مردم مریوان، ۱۳۸۸/۰۲/۲۶).

«آنچه برای نیروهای مسلح - چه سپاه و چه ارتش و چه نیروهای انتظامی - مهم است، این احساس است که آنها مدافعان امنیت ملی این کشورند. در عرصه‌های گوناگون، این امنیت با وظایف مختلف، میان سازمان‌های گوناگون تقسیم شده است. امنیت، بسیار مقوله‌ی مهمی است و بدون امنیت، یک کشور در همه‌ی عرصه‌ها و صحنه‌های فعالیت و تلاش، دچار مشکل است؛ در مقوله‌ی علم، در مقوله‌ی پیشرفت‌های اقتصادی، در مقوله‌ی مسائل معیشتی و شهروندی، در مقوله‌ی سازندگی کشور، در همه‌ی مقولاتی که می‌تواند افتخارات بزرگ ملی را برای یک کشور به ارمغان بیاورد، پیش‌نیاز اصلی و اساسی عبارت است از امنیت. این امنیت را نیروهای

مسلح تأمین می‌کند» (امام‌خامنه‌ای، بیانات در مراسم مشترک یگانهای نظامی استان کرمان، ۱۳۸۴/۰۲/۱۵).

۴-۲-۷) امنیت قضایی

«مسأله امنیت قضایی هم که در برخورد و مراجعه و مواجهه با دستگاه قضا، مردم احساس امنیت کنند، بسیار مهم است. این نگاه بسیار دقیق و حساس و جستجوگر را در درون قوه قضاییه می‌طلبد... باید دائم مثل دوربینی که با نورافکن محوطه‌ای را جستجو می‌کند، چشم‌های جستجوگر مسئولان عالی‌قوه، به‌طور دائم در داخل قوه قضاییه جستجو کند؛ آن‌گاه امنیت قضایی به معنای واقعی کلام به وجود آید. اگر امنیت قضایی به وجود آمد، امنیت سیاسی، امنیت اجتماعی، امنیت اقتصادی، امنیت اخلاقی و امنیت فرهنگی هم به وجود خواهد آمد... دشمنانی که با اساس جمهوری اسلامی مخالفند، امروز بهترین راه اعمال مخالفت خود را در این پیدا کرده‌اند که امنیت کشور را به خطر بیندازند.» (امام‌خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۰۴/۰۷).

۵-۲-۷) امنیت دفاعی

آنچه برای نیروهای مسلح - چه سپاه و چه ارتش و چه نیروهای انتظامی - مهم است، این احساس است که آنها مدافعان امنیت ملی این کشورند. در عرصه‌های گوناگون، این امنیت با وظایف مختلف، میان سازمانهای گوناگون تقسیم شده است. ... بخشی از این امنیت، مربوط به امنیت مرزهاست. مرزهای هر کشوری در معرض تهدید و شکسته شدن به وسیله نیروهای متجاوز و متعرض و زیاده‌خواه و قدرت‌های جهان‌گشا قرار دارد. انسان‌هایی در طول تاریخ همیشه پیدا شده‌اند که بقای خودشان را با فنای ملت‌های دیگر همراه و ملازم دانسته‌اند. ... در زمان خود ما، یک هم‌سایه‌ی متجاوز، متعرض، زیاده‌خواه، دچار جنون قدرت‌طلبی و قدرت‌خواهی، با تشویق قدرت‌هایی که با اسلام مخالف بودند و قصد سلطه‌ی بر ایران عزیز را داشتند، به کشور ما حمله کرد و این ملت دفاع‌جانانه‌ی کرد. بعد از سال‌های متمادی، اولین بار بود که ملت ما توانست در مقابل تجاوز بیگانه، فاتحانه و

سربلند از میدان جنگ خارج بشود. ... ملت ما و نیروهای مسلح ما بر چنین دشمنی پیروز شدند؛ البته زحمت کشیدند، تلاش کردند» (امام‌خامنه‌ای، بیانات در مراسم مشترک یگانهای نظامی استان کرمان، ۱۳۸۴/۰۲/۱۵).

«به نظر من غیر از مسائلی از قبیل قاچاق و عوارضی که در این زمینه وجود دارد و در بعضی از مرزها و جاهای گوناگون دیده می‌شود، عمده آن چیزی که باید آماج ذهن و فکر و عمل شما قرار گیرد، مسأله براندازی است. ... برای ایجاد رادیو پول می‌دهند و می‌گویند این برای مقابله با نظام جمهوری اسلامی است - این را تصادفاً بنده خودم از یکی از همین رادیوهایی که می‌دانید با پول سرویس‌های امنیتی آمریکا به وجود آمد، شنیدم - تصریح هم نکنند، همه می‌فهمند؛ اما تصریح می‌کنند که ما می‌خواهیم با اساس نظام و استوانه‌های آن مقابله کنیم؛ تصریح می‌کنند که باید قانون اساسی نظام عوض شود؛ تصریح می‌کنند که باید براندازی انجام گیرد؛ منتها لطف می‌کنند و می‌گویند براندازی آرام باید انجام گیرد! آیا این بخردانه و هوشمندانه است که ما چشم خود را ببندیم و بگوییم نه، چنین چیزی وجود ندارد؟! واقعاً وجود دارد؛ نشانه‌هایش را می‌بینیم و احتیاج نداریم که دنبال شواهد احتمالی بگردیم» (امام‌خامنه‌ای، در دیدار اعضای شورای تأمین استانها، ۱۳۸۹/۱۱/۲۵).

«امروز یکی از کارهای امنیتی مسئولان اطلاعات عبارت است از شناسایی نفوذی‌هایی که از خارج وارد کشور می‌شوند و خمپاره و مواد منفجره و امثال اینها را به داخل می‌آورند» (همان، ۱۳۸۹/۱۱/۲۵).

«در هر کشوری و میان هر ملتی، نیروهای مسلح قدرتمند و با انتظام و پرورش یافته، از طرفی مایه امنیت خاطر آن ملت است، و از طرفی مصونیت‌ساز و امنیت‌ساز در مقابل بیگانگانی است که هوس‌های تجاوزکارانه‌ی آنها، آنها را به دست‌اندازی به این سو و آن سو وادار می‌کند. وقتی یک ملت پنجه‌های فولادین و بازوهای قدرتمند خود را در لباس نیروهای مسلح به رخ دیگران کشید، توهم و خیال دست‌اندازی نسبت به آن کشور تضعیف می‌شود و دشمن حساب کار خود را

می‌کند» (امام‌خامنه‌ای، در دیدار نیروهای مسلح استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۱).

۷-۳) شاخص‌های بعد سیاسی مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران

با توجه به مطالب فوق هر یک از ابعاد مکتب امنیتی ج.ا.ایران دارای شاخص‌هایی است که شاخص‌های بعد سیاسی این مکتب که مورد نظر پژوهش حاضر می‌باشد، به شرح زیر ارائه و تشریح می‌گردد:

۷-۳-۱) شاخص توسعه یا صدور انقلاب:

از منظر امام خمینی(ره) در بُعد سیاسی امنیت، یکی از شاخص‌هایی که به کرات مورد توجه قرار گرفته؛ شاخص توسعه یا صدور انقلاب است. این شاخص توسط حضرت امام(ره) برای کارگزاران حکومتی به عنوان یک راهبرد در چشم‌انداز انقلاب چنین ترسیم شده است: «... مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب جهانی به پرچم‌داری حضرت حجت ارواحنا است...» (صحیفه، ج ۲۱: ۱۰۸) در جای دیگر این شاخص چنین ترسیم شده است: «... ما نهضت کردیم برای اسلام نهضت کردیم، جم‌هوری، جم‌هوری اسلامی است. نهضت برای اسلام نمی‌تواند محصور باشد در یک کشور و نمی‌تواند محصور باشد حتی در کشورهای اسلامی. نهضت اسلام همان دنباله نهضت انبیاء است...» (صحیفه، ج ۱۰: ۱۱۵) شاخص فوق را حضرت امام(ره) در مناسبتی چنین ابلاغ می‌فرمایند: «ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌المللی اسلامی مان بارها اعلام کرده‌ایم که در صدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهان‌خواران بوده و هستیم...» (پیشگامی فرد، ۱۳۸۸: ۵۱) در جای دیگر شاخص فوق چنین مورد تأکید حضرت امام(ره) قرار گرفته است: «... این جنگ سلاح نمی‌شناسد، این جنگ محصور در مرز نیست، این جنگ، خانه و کاشانه و شکست و تلخی کمبود و فقر گرسنگی نمی‌داند. این جنگ، جنگ اعتقاد است، جنگ

ارزش‌های اعتقادی-انقلابی علیه دنیای کثیف زور و پول و خوشگذرانی است...»
(صحیفه امام، جلد ۲۱: ۶۸)

۲-۳-۷) شاخص مبارزه:

از شاخص‌های بُعد سیاسی امنیت از منظر امام خمینی(ره) که قادر است زمینه تعامل و تفاهم گروه‌ها و ملیت‌های مختلف، حول محور اسلام زمینه‌سازی کند؛ وحدت رویه در شیوه مبارزه تا تحقق اهداف است. این شاخص را امام خمینی(ره) چنین مورد خطاب قرار می‌دهند: «... ما می‌گوییم تا شرک و کفر هست، مبارزه هست و تا مبارزه هست، ماهستیم، ما بر سر شهر و مملکت با کسی دعوا نداریم. ما تصمیم داریم پرچم لا اله الا الله را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز در آوریم ...» (صحیفه، ج ۲۱: ۸۸) در پیام امام به امت به در ماه‌های پایانی سال ۶۷ چشم‌انداز این شاخص به عنوان مهمترین معیار مبارزه جهان اسلام چنین تبیین شده: «... جنگ‌ها جنگ حق و باطل بود و تمام شدنی نیست. جنگ ما جنگ فقر و غنا بود. جنگ‌ها جنگ ایمان و رذالت بود. این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد...» (صحیفه، ج ۲۱: ۲۸۶)

۳-۳-۷) شاخص تکلیف محوری:

از شاخص‌های بُعد سیاسی امنیت از منظر امام خمینی(ره) که قادر به تحقق اهداف و دفع تهدیدات می‌باشد تکلیف محوری است. حضرت امام(ره) این شاخص فوق را چنین تبیین نموده‌اند: «... تکلیف من نیست که مسامحه بکنم؛ با من نیست که یک قدری آسان راه بروم، یک تکلیف الهی دارم و مطابق تکلیف عمل می‌کنم. کشته شوم عمل کرده‌ام به تکلیف الهی؛ پیش ببرم، عمل کردم به تکلیف الهی...» (صحیفه امام، ج ۶: ۱۹۰) در جای دیگر جایگاه این شاخص در سیاست خارجی نظام اسلامی که در عمق بخشی نظام اسلامی نقش اساسی دارد را چنین تبیین می‌فرمایند: «... ما بنا داریم به تکلیف عمل کنیم. ما مکلفیم با ظلم مقابله کنیم؛ ما مکلفیم از طرف خدای تبارک و تعالی که با ظلم مقابله کنیم، با این آدمخواری‌ها و با

این خونخوارها مقابله کنیم...» (صحیفه امام، ج ۶: ۲۲۰) حضرت امام این شاخص را به عنوان شیوه و چشم انداز تحقق اهداف بعد سیاسی امنیت، چنین تبیین می‌فرمایند: «... اگر به تکالیفی که خدای تبارک و تعالی برای ما تعیین کرده است عمل نکنیم، باکی از این نداریم که شکست بخوریم، چه از شرق و چه از غرب، چه از داخل و چه از خارج. و اگر به تکلیف خودمان عمل نکنیم شکست خورده هستیم، خودمان را شکست داده‌ایم...» (صحیفه امام، ج ۱۵: ۷۸) در جمع مسئولان نظام اسلامی این شاخص توسط حضرت امام (ره) چنین تبیین شده است: «... آنهایی که همه چیز بر آنها محول است و سایر قشرهای ملت مکلفند به این که اسلام را حفظ کنند، مکلفند به اینکه جمهوری اسلامی را حفظ کنند؛ این تکلیف، تکلیفی است که از بزرگترین تکالیفی است که اسلام دارد...» (صحیفه ج ۱۷: ۴۳۵)

۴-۳-۷) شاخص ظلم ستیزی :

یکی از شاخص‌هایی که به صورت عام در سطح جهان و بصورت خاص در داخل می‌تواند امنیت را توسعه و ارتقاء بخشد، شاخص ظلم ستیزی است. این شاخص را حضرت امام چنین ترسیم می‌فرمایند: «... ما حجت‌مان برای این که اگر چنانچه این مبارزه را ادامه بدهیم و صد هزار نفر از ما کشته بشود، برای دفع ظلم اینها و برای اینکه دست آنها را از این مملکت اسلامی کوتاه کنیم ارزش دارد، حجت‌مان هم کار حضرت امیر سلام‌الله‌علیه و کار سیدالشهداء سلام‌الله‌علیه است...» (صحیفه امام، ج ۴: ۳۲۴) در جای دیگر این شاخص را که در تحقق امنیت مسلمین و نظام اسلامی نقش حیاتی دارد را چنین مورد تأکید قرار می‌دهند: «... اگر بنده استخوانهایمان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده زنده در شعله‌های آتشان بسوزانند، اگر زن و فرزندان و هستی‌مان را در جلوی دیدگانمان به اسارت و غارت برند هرگز امان نامه کفر و شرک را امضاء نمی‌کنیم...» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۹۸)

۵-۳-۷) شاخص مردم داری:

یکی از شاخص‌های که در تأمین امنیت همه جانبه نظام سیاسی اسلام نقش اساسی ایفا می‌کند پشتیبانی همه جانبه مردم از نظام در فرایند تحقق اهداف است. این شاخص را حضرت امام چنین ترسیم می‌فرمایند: «وقتی یک حکومتی این طور شد، ملت دنبالش است؛ ملت حافظش است، همانطور که او حافظ ملت است، ملت هم حافظ او هستند و ما هم می‌خواهیم یک همچو چیزی پیدا بشود که ملت حافظ دولت به همه جهات باشد. اگر یک همچو چیزی شد، یک مملکت آرا می‌پدید می‌آید که هیچ کس نمی‌تواند در آن تصرف بکند...» (صحیفه، ج ۸: ۳۵۲) نظر به اینکه ملت در سه مقطع حساس و سرنوشت‌ساز نقش اساسی را ایفا نمود و رسالت و تکلیف خود را به خوبی انجام داد- دین خود را به اسلام و انقلاب ادا نمود، و نهضت را ادامه داد، انقلاب را به پیروزی رساند؛ و در مرحله شکل‌گیری جمهوری اسلامی و تثبیت و صدور انقلاب اسلامی با تمام ظرفیت وارد میدان شد و علاوه بر تحقق اهداف، استکبار و دست‌نشانده‌های آنها را در دستیابی به اهداف شیطانی شان ناکام گذاشت- حضرت امام (ره) ملت ایران را چنین معرفی می‌نمایند: «... من به جرأت مدعی هستم که ملت ایران و توده میلیونی آن در عصر حاضر بهتر از ملت حجاز در عهد رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله و کوفه و عراق در عهد امرا المؤمنین و حسین ابن علی صلوات‌الله و سلامه علیهما می‌باشند آن حجازی که در عهد رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله مسلمانان نیز اطاعت از ایشان نمی‌کردند و به جبهه نمی‌رفتند. که خداوند تعالی در سوره توبه با آیاتی آنها را توبیخ فرمود و وعده عذاب داده است ... و ما امروز می‌بینیم که ملت ایران از قوای مسلح نظامی و انتظامی و سپاه و بسیج تا قوای مردمی از عشایر و داوطلبان و از قوای در جبهه‌ها و مردم در پشت جبهه با کمال شوق و اشتیاق چه فداکاری‌های می‌کنند و چه حماسه‌ها می‌آفرینند... و اسلام باید افتخار کند که چنین فرزندان تربیت نموده و ما هم مفتخریم که در چنین عصری و در پیشگاه چنین ملتی می‌باشیم...» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۲-۲۳)

۶-۳-۷) شاخص دفع فساد:

نظر به اهداف متعالی نظام اسلامی، و نقشی که فساد در متوقف نمودن؛ عقب‌نشینی و در نهایت شکست نظام اسلامی دارد و راهبرد کلانی که قرآن چنین ترسیم نموده: «... وَكُولا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ - اگر خداوند شر دشمنان را به وسیله مؤمنین کامل دفع نکند زمین را فساد فرا می‌گیرد. ولی خداوند نسبت به اهالی جهان لطف و احسان دارد...» (قرآن کریم، سوره بقره: ۲۵۱) حضرت امام شاخص فوق را به عنوان یک راهبرد کلان بعد سیاسی امنیت، چنین ترسیم فرموده اند: «... ما در صدد خشکاندن ریشه‌های فساد صهیونیسم، سرمایه‌داری، و کمونیزم در جهان هستیم. ما تصمیم گرفته‌ایم به لطف و عنایت خداوند بزرگ نظام‌های را که بر این اساس استوار گردیده‌اند نابود کنیم ...» (صحیفه جلد ۲۰: ۲۳)

۷-۳-۷) شاخص نفی سیبل:

نظام اسلامی نظامی است که بر پایه ایمان به خداوند و مبارزه با شکل‌گیری حکومت‌های ظالم بر مسلمانان شکل گرفته‌است؛ نظر به نقشی که این شاخص در دفع تهدیدات ایفا می‌کند؛ این شاخص بعد سیاسی امنیت، توسط حضرت امام (ره) به عنوان یک راهبرد چنین ترسیم شده: «... اینها متن قرآن را مطالعه کرده‌اند، اسلام را هم مطالعه کرده‌اند و فهمیده‌اند که قرآن یک کتابی است که اگر مسلمانها به آن اتصال پیدا کنند، تودهنی می‌زنند به این اقوامی که می‌خواهند بیایند سلطه پیدا کنند بر مسلمین قرآن می‌گوید هرگز خدای تبارک و تعالی سلطه‌ای غیر مسلم را بر مسلم قرار نداده است. هرگز نباید یک همچو چیزی واقع بشود یک تسلطی، یک راهی، حتی یک راه نباید پیدا بکند: لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ الْكٰفِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَيِّلا ...» (لک زائی، ۱۳۸۷: ۱۳۸)

مفهوم امنیت در رژیم صهیونیستی

مفهوم امنیت در رژیم صهیونیستی با توجه به ویژگی‌های خاص این رژیم (از حیث دولت سازی و ملت سازی) هم با مفهوم امنیت در جهان غرب و هم با مفهوم

امنیت در جهان سوم دارای تمایزاتی است که در زیر به چند نمونه آن اشاره خواهد شد.

در غرب مفهوم امنیت بیشتر با محیط و بازیگران خارجی تعریف می شود؛ در حالی که امنیت در اسرائیل [غاصب] هم مربوط به محیط داخلی است و هم محیط و بازیگران خارجی؛ یعنی اسرائیل [غاصب] نه تنها به خاطر عوامل و تهدیدات نظامی بیرونی مورد تهدید است. بلکه بدلیل نظام اجتهاعی طبقاتی، نژادپرست و مهاجرنشین نیز مورد تهدید است. چنین جامعه‌ای مستعد یک رفتار تهاجمی است.

امنیت اسرائیل غاصب همچون کشورهای غربی دارای پیوستگی و روابط مثبت با نظام و ساختار امنیت بین-الملل است. اما برعکس کشورهای غربی روابط و پیوستگی مثبت با نظم منطقه‌ای (از حیث همسایگان) ندارد و یا حداقل پیوستگی سازنده میان این دو وجود ندارد. چرا که امنیت در جهان غرب عمدتاً از طریق اتحاد های سازنده میان کشورهای مختلف تامین شده است و ملی تاکنون اسرائیل [غاصب] نتوانسته است امنیت خود را در پیوند با امنیت همسایگان و کشورهای منطقه تعریف کند. لذا دیدگاه تک بعدی (نظامی محور) در خصوص مسائل امنیتی اسرائیل [غاصب] نه تنها کم دامنه است بلکه تصور نادرستی از واقعیات امنیتی این رژیم ارائه خواهد داد. (افرایم، ۱۳۸۸: ۴۱ تا ۴۲)

عناصر نقشه ساختاری نظم و امنیت در رژیم صهیونیستی

عناصر نقشه ساختاری نظم و امنیت در رژیم صهیونیستی یا به تعبیری پایه‌های کلان امنیت در این رژیم بر سه پایه استوار است؛ الف) وجود (کیان) ب) سرزمین

ج) جمعیت

اندیشه معطوف به وجود و کیان ساخت و دال مرکزی است. ساخت‌های پیرامون ساخت مرکزی (ساخت دفاع و امنیت / ساخت سیاسی / ساخت فرهنگی و ساخت اقتصادی) همواره سنجش و ارزیابی می‌شوند. ناگفته نماند این امر توسط ضریب ایدئولوژیک و باز تولید آن تداوم و استمرار می‌یابد. بر این اساس جامعه

رژیم صهیونیستی را می‌توان بر اساس دال مرکزی و هژمونی گفته‌ها دفاع - امنیت چنین توصیف کرد؛

الف) کلیت جامعه و اسرائیل [غاصب] به مثابه یک جامعه امنیتی قابل رویت است.

هر تهدید ساده‌ای، یک تحلیل امنیتی را سامان می‌دهد و سطح آن ملی می‌شود. (تلقی کپنهاکی از امنیت)

وضع ساختاری و شکل بندی وجودی اسرائیل که بر اساس یک فرآیند طبیعی، زایش و تأمین دولت جعلی اسرائیل نبوده است؛ احساس «وجود نامنی» جزء ذاتی حیات شهروندی و ملی است.

رژیم صهیونیستی «دوز» نامنی و احساس آن را برای برقراری نسبی سکونت و مهاجرت در سرزمین‌های اشغالی در «ضمیرناهیاری» هویت بخش، مدیریت می‌کند. این اقدام آثاری در خور توجه دارد؛ از جمله تبلیغ اینکه جامعه ترکیبی مضر است و همواره فضای جنگ و صلح برقرار است.

وضعیت ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی در فضای «امنیت سوزی» قرار دارد. هویت ناامن گذشته از تهدیدات بیرونی، جامعه اسرائیل را از درون با تعارض مواجه ساخته است. به لحاظ روان‌شناسی اجتماعی هنوز «شخصیت» اسرائیلی با موقعیت نوین تشخیص و تعیین دولت گرا و روح شهروندی ملی خونگرفته است. در نتیجه ثبات در جامعه رژیم صهیونیستی مفهومی جاافتاده و معنابخش نبوده و نیست.

ب) اسرائیل جامعه ناپایدار

۱) ماهیت مهاجرتی جامعه (۲) جامعه سرگشته مواجه به مشکلات و موانع جدی ساختاری، فرهنگی، رفتاری

۳) سیاست تبعیض در بین گونه‌های مختلف اجتماعی ساکنان (۴) جامعه‌ای ژله‌ای (شکننده). (جنتی، ۱۳۸۵: ۸۵)

ملزومات امنیتی رژیم صهیونیستی

محیط امنیتی هر کشوری لایه های متفاوتی دارد که در سه سطح داخلی، منطقه ای و جهانی قابل درک است. طبیعی است که این محیط پویا ست و به مرور زمان دچار دگرگونی می شود. سیاست امنیت ملی و دکترین نظامی کشورها بر اساس وضعیت این سطوح شکل می گیرد و هر تغییری در آنها منجر به تحول سیاست های امنیتی و نظامی خواهد شد. سیاستگذاران و استراتژیست های امنیتی اسرائیل غا صب برای هر سطح ملزومات خاص امنیتی را تدوین و به مورد اجرا می گذارند.

الف) محیط امنیتی بین المللی رژیم صهیونیستی و ملزومات آن:

بطور عام تا زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق، رژیم صهیونیستی از یک موفقیت بین المللی مناسب برخوردار نبود. محکومیت سالانه رژیم صهیونیستی در مجمع عمومی سازمان ملل و شورای امنیت، عدم پذیرش یا اخراج از برخی نهادهای بین المللی، روابط محدود خارجی و محاصره سیاسی از ویژگی های آن بود و اگر نبود رای وتوی آمریکا در شورای امنیت به نفع رژیم صهیونیستی، ادامه حیات این رژیم ممکن نبود. اما پس از فروپاشی شوروی و شروع مذاکرات صلح این وضعیت بهتر شده و دولت های کمونیستی سابق در اروپای شرقی و نیز دولت های جدا شده از شوروی به برقراری روابط با تل آویو روی آورده و رژیم صهیونیستی از برتری و امتیازات خود در زمینه تکنولوژی برای جبران مشکلات پیدایش در زمینه بین المللی بهره گرفته است و در مجموع محیط بین المللی بعد از فروپاشی شوروی بهبود حاصل شد و در واقع الزامات پیاده سازی امنیت برای اسرائیل در محیط بین المللی مبتنی بر توسعه روابط، همکاری های اقتصادی تکنولوژیکی و... است. (کریمی، ۱۳۸۶: ۴۵ تا ۴۷)

ب) ملزومات امنیتی رژیم صهیونیستی در محیط منطقه ای:

محیط امنیتی منطقه ای رژیم صهیونیستی طی سال اخیر دچار تحولات اساسی شده است. اسرائیلی ها تا مدت ها از ناحیه کشورهای همسایه و عربی تهدید شده و جبهه نبرد خود را پیرامون خود ترسیم می کردند و الزامات تامین امنیت نیز کاربرد

زور و تهاجم نظامی بود که در این راستا اسرائیل غاصب از سال ۱۹۴۸م تا ۱۹۸۲م وارد ۴ جنگ (۱۹۷۳، ۱۹۶۷، ۱۹۴۸ و ۱۹۸۲)م با کشورهای عربی شد. اما پس از فروپاشی شوروی و جنگ اول خلیج فارس (جنگ نفت) محیط منطقه‌ای غرب آسیا دچار برخی تحولات شد و در نتیجه الزامات امنیتی اسرائیل غاصب را نیز دگرگون نمود. مانند روند صلح که منجر به قراردادهای کمپ دیوید و اسلو شده و زمینه بهبود روابط منطقه‌ای اسرائیل غاصب را فراهم کرد و این تحول پیاپاهایی برای امنیت آن به دنبال داشت. از جمله اینکه اردن به یک کشور دوست یا دست کم کشوری که با اسرائیل غاصب در صلح است تبدیل شد. سایر کشورهای عرب نیز به تدریج به برقراری روابط با رژیم صهیونیستی اقدام کردند.

با توجه به روند و شرایط فوق و دگرگونی در محیط امنیتی پیرامونی رژیم صهیونیستی، این رژیم الزامات نظامی خود نسبت به این کشورها را تا حدودی از اولویت خارج کرده و سعی می‌کند با استفاده از فشار آمریکا بر این کشورها و استفاده از اصل فریب و ورود آنها به یک بازی صلح بی نتیجه، آنها را مقهور خود کرده و امنیت خود را تامین نماید. (کریمی، ۱۳۸۶: ۴۲ تا ۴۳)

ج) ملزومات امنیتی داخلی رژیم صهیونیستی:

در گذشته محیط امنیت داخلی رژیم صهیونیستی چندان مورد تهدید نبود. ساکنین سرزمین‌های اشغالی کاملاً با سیاست‌های دولت صهیونیستی هماهنگ بودند و در احزاب به تنهایی می‌توانستند با اکثریت قاطع آراء دولت تشکیل دهند. مردم فلسطین نیز از توان تهدید بالایی برخوردار نبوده و انتفاضه‌های سنگ نیز راه به جایی نبرد. اما همانطور که میلر می‌نویسد «مفهوم سنتی تهدید که عمدتاً متکی به منشاء خارجی آنها بود با انتقادات شدیدی روبرو شده است، زیرا امروز تهدیدات بسیاری از عوامل داخلی سرچشمه می‌گیرند». (کریمی، ۱۳۸۶: ۴۵)

تأثیرات شاخص‌های بعد سیاسی مکتب امنیتی ج.ا.ایران بر عناصر نقشه

ساختاری نظم و امنیت در رژیم صهیونیستی

همانطور که پیش تر نیز اشاره گردید، عناصر نقشه ساختاری نظم و امنیت در رژیم صهیونیستی یا به تعبیری پایه‌های کلان امنیت در این رژیم بر سه پایه وجود (کیان)، سرزمین و جمعیت استوار است. در بررسی اثر هر یک از شاخص های بعد سیاسی مکتب امنیتی ج.ا.ایران در این عناصر، نتایج زیر حاصل شده است.

وضع ساختاری و شکل بندی وجودی رژیم صهیونیستی که بر اساس یک فرآیند طبیعی، زایش و تأمین دولت جعلی اسرائیل نبوده است؛ احساس «وجود نامنی» جزء ذاتی حیات شهروندی و ملی محسوب می شود. هر تهدید ساده‌ای در این رژیم، یک تحلیل امنیتی را - بر اساس تلقی کپنهاکی از امنیت- سامان می دهد و سطح آن ملی می شود. چهار شاخص صدور انقلاب، مبارزه، تکلیف محوری و دفع فساد بعد سیاسی مکتب امنیتی ج.ا.ایران، توانسته است احساس ناامنی را در جامعه صهیونیست ها تشدید نموده و خواب را بر آنها حرام نماید. از سوی دیگر شاخص های مردم داری و نفی سبیل مکتب امنیتی ج.ا.ایران، مانع از به ثمر رسیدن واکنش ها و اقدامات خصمانه این رژیم علیه انقلاب اسلامی شده است.

وضعیت ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی در فضای «امنیت سوزی» قرار دارد. از سرزمینی که یهودیان در آن سکنی دارند، حداقل ۵ میلیون نفر بیرون رانده شده اند. فرزندان بسیاری پدر و مادر خود را از دست داده و والدین بسیاری نیز فرزندان خود را غرق در خون دیده اند. لذا مبارزه در راه آزادی این سرزمین، عنصر و پایه دوم امنیتی رژیم صهیونیستی را تهدید می نماید. چهار شاخص صدور انقلاب، مبارزه، تکلیف محوری و دفع فساد بعد سیاسی مکتب امنیتی ج.ا.ایران، توانسته است مبارزان بسیاری را از حزب الله لبنان تا گروههای مبارز فلسطینی علیه رژیم صهیونیستی و با هدف آسازای سرزمین های اشغالی بسیج نماید.

کلیت جامعه اسرائیل به مثابه یک جامعه امنیتی است و ثبات در جامعه رژیم صهیونیستی مفهومی جاافتاده و معنابخش نبوده و نیست. با این وجود رژیم صهیونیستی سعی می کند «دوز» ناامنی و احساس آن را برای برقراری نسبی سکونت

و مهاجرت در اسرائیل مدیریت کند. اما تهدیدات بیرونی جامعه ژله‌ای و شکننده اسرائیل را از درون با تعارض، تبعیض و مشکلات و موانع جدی ساختاری، فرهنگی، رفتاری مواجه و ناپایدار ساخته است. شاخص‌های مبارزه، ظلم ستیزی و دفع فساد اثر مستقیم بر ممانعت از افزایش جمعیت مهاجرین در سرزمین‌های اشغالی دارد تا جاییکه حتی شاهد مهاجرت معکوس نیز بوده ایم.

تأثیرات شاخص‌های بعد سیاسی مکتب امنیتی ج.ا.ایران بر ملزومات امنیتی

رژیم صهیونیستی

همانطور که پیشتر نیز اشاره گردید، سیاستگذاران و استراتژیست‌های امنیتی اسرائیل غاصب ملزومات امنیتی این رژیم جعلی را در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و جهانی امنیتی را تدوین نموده‌اند که در بررسی اثر هر یک از شاخص‌های بعد سیاسی مکتب امنیتی ج.ا.ایران در این ملزومات، نتایج زیر حاصل شده است.

توفیقات امنیتی رژیم صهیونیستی را در سطح بین‌المللی، همانطور که پیشتر نیز اشاره گردید، می‌توان به دو مقطع پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق و پس از آن تقسیم نمود. پیش از سال ۱۹۹۱م، محکومیت سالانه رژیم صهیونیستی در مجمع عمومی سازمان ملل و شورای امنیت، عدم پذیرش یا اخراج از برخی نهادهای بین‌المللی، روابط محدود خارجی و محاصره سیاسی، ادامه حیات این رژیم را با خطر جدی روبرو ساخته بود. اما پس از سال ۱۹۹۱م و شروع مذاکرات صلح این وضعیت بهتر شده و دولت‌های کمونیستی سابق در اروپای شرقی و نیز دولت‌های جدا شده از شوروی سابق به برقراری روابط با تل‌آویو روی آورده و رژیم صهیونیستی از برتری و امتیازات خود در زمینه تکنولوژی برای جبران مشکلات پیشین در زمینه بین‌المللی بهره گرفت. در واقع در پیاده‌سازی الزامات امنیت برای اسرائیل غاصب در محیط بین‌المللی که عمده‌ترین آن‌ها مبتنی بر توسعه روابط، همکاری‌های اقتصادی، همکاری‌های تکنولوژیکی و... است، در مجموع، بهبود حاصل شد. اما در این میان شاخص‌های بعد سیاسی مکتب امنیتی ج.ا.ایران نیز بی

تأثیر نبوده است. تداوم شاخص‌های مبارزه، ظلم‌ستیزی و دفع فساد، توانسته‌اند؛ نگاه جوامع بین‌المللی را به روند مذاکرات صلح و سازش تغییر داده و سالانه شاهد حضور خودجوش مردم اقصی نقاط جهان در برپایی تظاهرات علیه صهیونیسم و حتی حضور در سرزمین‌های اشغالی (همچون راشل کوری) هستیم. این شاخص توانسته است چالش‌های جدی برای برخی دولت‌های حامی صهیونیست در برابر ملت‌های خود نیز ایجاد نماید. از سوی دیگر رژیم صهیونیستی توانسته است با بزرگنمایی و وارونه جلوه دادن برخی شاخص‌ها همچون دفع فساد در جهان و جلب حمایت‌های دولت‌های مستکبر، اثرات منفی شاخص‌ها را خنثی و بعضاً تبدیل به فرصت نیز نماید. سیاست ایران‌هراسی غرب در منطقه و جهان که ناشی از تبلیغات رژیم صهیونیستی مبنی بر عزم ایران برای نابودی رژیم صهیونیستی است، گواه بر این مدعاست. حضرت امام (ره) در این راستا، نسبت به اهداف شیطنی و فسادبرانگیز رژیم اشغالگر قدس، این راهبرد را به عنوان یکی از شاخص‌های نظام اسلامی در بعد سیاسی چنین ترسیم می‌فرمایند: «... این ماده فساد [اسرائیل] که در قلب ممالک اسلامی با پشتیبانی دول بزرگ جایگزین شده است و ریشه‌های فسادش هر روز ممالک اسلامی را تهدید می‌کند باید با همت ممالک اسلامی و ملل بزرگ اسلام ریشه کن شود ...» (صحیفه جلد ۲: ۱۳۹) در همان ابتدا پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸ نابودی این رژیم را به عنوان اهداف راهبرد نظام اسلامی چنین توصیه می‌فرمایند: «... اسرائیل این جرثومه فساد همیشه پایگاه امریکا بوده است. من در طول نزدیک به بیست سال خطر اسرائیل را گوشزد نموده‌ام. باید همه به پا خیزیم و اسرائیل را نابود کنیم و ملت قهرمان فلسطین را جایگزین آن گردانیم ...» (صحیفه ج ۲: ۱۴۸)

توفیقات امنیتی رژیم صهیونیستی در سطح منطقه‌ای، همانطور که پیش‌تر نیز اشاره گردید، متأثر از محیط بین‌المللی بوده و می‌تواند به دو مقطع پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق و پس از آن تقسیم شود. اما در واقع تحولات رژیم

صهیونیستی را به قبل از سال ۱۹۸۲ و بعد از آن می‌بایست تقسیم نمود. پیش از سال ۱۹۸۲م، اسرائیلی‌ها تا مدت‌ها از ناحیه کشورهای همسایه و عربی تهدید و جبهه نبرد خود را پیرامون خود ترسیم می‌کردند و الزامات تامین امنیت آنها نیز کاربرد زور و تهاجم نظامی بود. اما پس از سال ۱۹۸۲م، محیط منطقه‌ای رژیم صهیونیستی با تشکیل جبهه مقاومت در لبنان، دچار تحولات شگرف شد. هرچند که روند صلح، منجر به قراردادهای کمپ دیوید و اسلو شده و زمینه بهبود روابط منطقه‌ای اسرائیل غاصب را فراهم کرد تا جایی که اردن به یک کشور دوست یا دست‌کم کشوری که با اسرائیل غاصب در صلح است تبدیل شد و سایر کشورهای عرب نیز به تدریج به برقراری روابط با رژیم صهیونیستی اقدام کردند، اما رژیم صهیونیستی به ناچار و با تحمل خسارات سنگین مجبور شده در سال ۲۰۰۰م جنوب لبنان را تخلیه نماید. از این تاریخ به بعد روند شکست‌های رژیم صهیونیستی فزونی یافت و اقدامات او در جنگ‌های ۳۳ روزه با لبنان، ۲۲ روزه، ۸ روزه و ۵۱ روزه با مردم بی‌دفاع غزه، راه به جایی نبرد. ارتش به اصطلاح چهارم دنیا در برابر شاخص‌های مبارزه، تکلیف محوری، ظلم ستیزی و نفی سبیل مکتب امنیتی ج.ا.ایران به زانو درآمد. در نتیجه در کنار تحولات فوق، تحول دیگری در منطقه اتفاق افتاد که محیط امنیتی منطقه‌ای اسرائیل غاصب را پیچیده‌تر نمود و آن احساس تهدید از سوی انقلاب اسلامی ایران است. این تهدید جدید نوع نگرش صهیونیست‌ها را تا حد زیادی تغییر داد. از نظر آن‌ها از آنجایی که کشور ایران، به سلاح‌های کشتار جمعی دسترسی دارد یا برای دستیابی به آن تلاش می‌کند، در صورت وقوع جنگ در منطقه، این بار نیروی همه‌جانبه، فراگیر و تعیین‌کننده روی خواهد داد. برخی از صهیونیست‌ها نیز اظهار داشته‌اند: «ایران قصد نابودی اسرائیل را دارد» در کنفرانس ایپک در آمریکا (سال ۱۹۹۵م) نیز بر جمهوری اسلامی ایران به عنوان بزرگترین تهدید برای اسرائیل غاصب تأکید و نسبت به ورود ایران به آستانه سلاح‌های هسته‌ای و حمایت از گروه‌های اسلامی اظهار نگرانی شد. در نتیجه در محیط امنیتی منطقه‌ای اسرائیل غاصب، گرچه بسیاری

از کشورهای عربی از حوزه تهدید اسرائیل خارج شدند؛ اما دولت-هایی چون سوریه و ایران را مهمترین طرف‌های نظامی خود قلمداد می‌کند و آنچه که در این ارتباط اسرائیل غاصب برای جنگیدن آینده خود بدان امید زیادی دارد، بیشتر از قلمرو تکنولوژی نظامی برمی‌خیزد که برخی از نویسندگان با عبارت «تکنولوژی به عنوان نوش داروی استراتژی اسرائیل» از آن یاد کرده‌اند.

توفیقات امنیتی رژیم صهیونیستی در سطح داخلی، عمدتاً مربوط به ظرفیت و عمل تهدید از جانب مردم فلسطین و گروه‌های مبارز و دولت حماس است. حتی اقدامات حزب ا... لبنان نیز در درون این حلقه ترسیم شده است. شاخص‌های مبارزه، ظلم ستیزی و دفع فساد، امنیت رژیم صهیونیستی را در درون دچار چالش‌های اساسی نموده است. تسلیح مردم مقاوم غزه و بیرون راندن صهیونیست‌ها در سال ۲۰۰۶م نمونه خوبی شد که مردم ساکن سرزمین‌های اشغالی نیز به مبارزه امیدوارتر شده و انتفاضه‌های اخیر (انتفاضه چاقو و انتفاضه زیرگیری در کرانه باختری) را شکل دهند. همانطور که میلر می‌نویسد «مفهوم سنتی تهدید که عمدتاً متکی به منشاء خارجی آن‌ها بود با انتقادات شدیدی روبرو شده است، زیرا امروز تهدیدات بسیاری از عوامل داخلی سرچشمه می‌گیرند». استراتژیست‌های رژیم صهیونیستی تهدیدات نوظهور ناشی از محیط امنیتی داخلی را تهدیدات نامتقارن تعریف کرده‌اند و ملزومات امنیتی در این حوزه را مبتنی بر ارتقای کارآمدی اطلاعاتی-امنیتی برای کسب اطلاعات دقیق، تحلیل بهینه اطلاعات و انتقال سریع آن به مرکز فرماندهی و اقدام قاطع نظامی (هوایی) موشکی و کماندویی جهت انهدام منابع بالقوه و بالفعل تهدیدات نامتقارن است. قطع منابع مالی، شناسایی خطوط سیاسی و پیش‌بینی حملات نامتقارن (چریکی-موشکی) از وظایف این رویکرد امنیتی-نظامی رژیم صهیونیستی در همکاری با دستگاه‌های زیربط آمریکایی است. حملات پیشدستانه و پیشگیرانه هوایی و موشکی و ترور رهبران گروه‌های مقاومت در غوارغزه، کرانه باختری رود اردن و از بین بردن حماس و قدرت موشکی و اقدامات چریکی آن و

قبل از آن محاصره و تحریم شدید نوار غزه در بدترین شکل آن، در چارچوب الزامات امنیتی رژیم صهیونیستی در مقابله با تهدید برخاسته از محیط امنیتی داخلی می باشد. (کرمی، ۱۳۸۶: ۴۵)

چالش ها و تهدیدهای امنیتی رژیم صهیونیستی

الف: چالش ها و تهدیدهای سیاسی - اجتماعی رژیم صهیونیستی

۱. تعارض با ارزش های انسانی و هنجارهای بین المللی

چنانچه رویه ها یا رفتار یک کشور یا رژیم با ارزش ها و هنجارهای پذیرفته شده بین المللی (از نظر کمی و کیفی) تعارض داشته باشد اعتبار سیاسی آن کشور مورد چالش قرار می گیرد. گرچه به دلیل حمایت بی-چون و چرای غرب بویژه آمریکا و تلاش رسانه های گروهی غرب در جلوگیری از مخدوش شدن چهره این رژیم در افکار عمومی جهان اقدامات گسترده ای صورت می گیرد، اما با افزایش کمی و کیفی اقدامات ضد بشری این رژیم در حق مردم فلسطین و پیدایش رسانه های مستقل و بی طرف در عرصه رسانه های جمعی جهان و انعکاس اخبار و گزارشات فجایع این رژیم کم کم عمق تعارض سیاست ها و اقدامات این رژیم با ارزش ها و هنجارهای بین المللی و بشری بیشتر برای مردم جهان نمایان می شود بطوریکه اقدامات این رژیم در جنگ علیه مردم بی دفاع غزه موجب اعتراض و واکنش شدید افکار عمومی جهانی و محکومیت این رژیم توسط حداقل ۳۵۰ نهاد و سازمان های بین المللی حقوق بشری شده است. (مؤسسه مطالعات فلسطین، ۱۳۸۷)

در سال های اخیر و با تقویت روحیه ایستادگی مردم فلسطین علی الخصوص مردم بیدفاع غزه که ناشی از شاخص مبارزه، شاخص تکلیف محوری، شاخص ظلم ستیزی و شاخص دفع فساد مکتب امنیتی به یادگار مانده از حضرت امام ره، رفتار رژیم صهیونیستی با مردم غزه هنجار شکننده تر شده و بیش از پیش ارزش-های انسانی را زیر پا گذاشته است بحوی که در ۶ سال گذشته سه جنگ خانمان سوز (۲۲ روزه ۲۰۰۹، ۸ روزه ۲۰۱۲ و ۵۱ روزه ۲۰۱۴) به مردم مظلوم غزه تحمیل کرده است.

۲. فقدان تجانس اجتماعی و کاهش انسجام درونی:

شکاف‌های اجتماعی از قبیل شکاف‌های قومی، نژادی، زبانی و مذهبی کم و بیش در جوامع مختلف وجود دارد. جوامع دارای این چنین شکاف‌ها و تمایزات اجتماعی از نظر چالش‌های ناشی از اینگونه شکاف‌ها وضع یکسانی ندارند. دسته‌ای از این جوامع و کشورها با تاریخ طولانی خود بطور تدریجی و طبیعی گروه‌های مختلف را تحت عنوان یک جامعه یا ملت در کنار یکدیگر هم‌نشین کرده‌اند (مانند جامعه ایران). دسته دیگر در دوران جدید با ساخت ملت- دولت شکاف‌ها را تحت کنترل درآورده‌اند (مانند اغلب کشورهای اروپایی). دسته سوم علی‌رغم وجود شکاف‌های اجتماعی در طی فرایند ملت‌سازی موفقیتی کسب نکرده‌اند (مانند بسیاری از کشورهای آفریقایی) (ره‌پیک، ۱۳۸۷: ۲۴۵)

رژیم صهیونیستی نه تنها با تجاوز و غصب سرزمین‌ها و اخراج فلسطینیان، بلکه با مردمان یهود که از سراسر جهان با تمایزات فرهنگی، نژادی، خلق و خوی ملی متفاوت به این سرزمین مهاجرت کردند شکل گرفت. از این رو اسرائیل غاصب با چالش‌ها و تهدیدات اساسی در حوزه شکاف‌های اجتماعی روبروست. حال اگر به این مسئله هویت کاملاً متعارض مسلمانان فلسطینی ساکن در سرزمین‌های اشغالی را نیز به آن اضافه کنیم قطعاً تهدیدات امنیتی اسرائیل غاصب در این حوزه مضاعف خواهد بود و باید توجه داشت که اگر در امنیت سیاسی مرجع تهدید شونده «دولت» است؛ در حوزه اجتماعی جامعه تهدید می‌شود و تهدید اجتماعی؛ «هویت ملی» جامعه را هدف قرار می‌دهد. البته اسرائیل غاصب در راستای مقابله با این نوع تهدید و تأمین امنیت اجتماعی، از رویکرد زیر استفاده می‌کند:

۱-۲. موعودگرایی و اسطوره‌گرایی:

رهبران و تئوریسین‌های صهیونیست چه قبل از تشکیل رژیم صهیونیستی و چه بعد از آن برای ایجاد یک هویت مشترک و جلوگیری از گسست اجتماعی، استراتژی اسکان یهودیان سراسر جهان را در سرزمین موعود یک رسالت مذهبی و

تاریخی می‌دانند و معتقدند هیچ کجای جهان برای یهود امن نیست و یهودیان در همه نقاط دنیا تحت آزار و اذیت قرار دارند و تنها راه نجات قوم یهود و حل مسئله آنتی سمیتیسم یا یهودی‌آزاری و یهودی ستیزی تشکیل دولت اسرائیل در فلسطین (ارض موعود) و اسکان یهودیان در آن سرزمین است. این مطلب توسط یک نویسنده صهیونیستی بنام اسرائیل شاهاک اینچنین بیان شد. او می‌گوید: "توجهات سیاست اسرائیل را عموماً به اصول ایمان یهودی ارجاع می‌دهند یا در مورد لایحه‌ها به حقوق تاریخی [اسطوره‌ای]؛ او معتقد است در سال ۱۹۵۶، برای آغاز جنگ سوئز بن‌گورئون، این آدم بی‌خدا و سربلند از بی‌تفاوتی خویش نسبت به فرامین مذهب یهود، در روز سوم کشمکش (جنگ) در برابر کنست [پارلمان اسرائیل] اعلام کرد که دلیل راستین و هدف راستین این است که سلطنت داوود و سلیمان در مرزهای تورانی آن از نو مستقر گردد. با این سخنان اعضای کنست تقریباً هم‌گویی، به صورت خودجوش بپاخواستند و سرود ملی اسرائیل را سردادند". (تقی‌پور، ۱۳۸۳: ۲۴)

یا موشه شاروت یکی از رهبران سابق اسرائیل می‌گوید: "اسرائیل ملوک‌مشتک همه ملت یهود است یعنی سرزمین یهودیان همه جای دنیا است." در واقع رژیم صهیونیستی با دستاویز قرار دادن مفاهیم تورانی و اسطوره‌های تاریخی با تلغیظ برتری نژادی سعی دارد انسجام درونی و هویت ملی خود را در میان یهودیان ساکن سرزمین‌های اشغالی و خارج از آن تحکیم بخشد و از گسست درونی جلوگیری کند. (تقی‌پور، ۱۳۸۳: ۲۵)

تفکرات اسطوره‌گرایی صهیونیست‌ها با تأثیری محور مقاومت از شاخص مبارزه و شاخص ظلم ستیزی مکتب امنیتی ج.ا.ایران به چالش کشیده شده و باز پس‌گیری سرزمین‌های اشغالی با مدل مبارزات این مکتب جایگزین تفکرات گذشته شده است.

۲-۲. استراتژی حذف غیر یهودیان:

دومین استراتژی رژیم صهیونیستی در جلوگیری از گسست اجتماعی و تحقق هویت مشترک این است که این رژیم از بدو شکل‌گیری در سال ۱۹۴۸م تاکنون

براساس ایده نژادپرستانه نسبت به ساکنین اصیل این سرزمین یعنی فلسطینیان، استراتژی حذف را پیگیری نموده است و سعی نمود با ارباب، تهدید و کشتار، مسلمانان و فلسطینیان را مجبور به ترک و خروج از سرزمین های اشغالی نماید و یک دولت یکدست یهودی را شکل دهد که هزاران جنایت این رژیم در حق فلسطینیان و سخنان اخیر ایهود باراک مبنی بر شکل-گیری «دولت خالص یهود» موید این ادعاست. (همان، ۲۵)

ب: تهدیدهای نظامی - امنیتی رژیم صهیونیستی:

ماهیت تهدید از دیدگاه رهبران رژیم صهیونیسم:

از دیدگاه رهبران و تصمیم گیرندگان رژیم صهیونیستی، امنیت اسرائیل غاصب با دو نوع تهدید مهلک مواجه است.

۱. تهدیدات سنتی:

همانطور که بیان شد، ماهیت توسعه طلبانه و تجاوزکارانه این رژیم غاصب و عدم به رسمیت شناختن این رژیم توسط ملت و دولت های منطقه یک محیط امنیتی مبتنی بر تهدید نظامی برای این رژیم شکل گرفته است. از این رو تهدید نظامی برای این رژیم یک تهدید دائمی تلقی می شود و هر گونه تغییر اساسی در قدرت نظامی کشورهای همسایه و منطقه را به منزله بهم خوردن تعادل قدرت و تغییر وضع امنیتی منطقه تلقی می کند و برای حفظ این تعادل «استراتژی برتری مطلق نظامی» را دنبال می کند. این استراتژی متضمن تقویت برتری هوایی، عکس العمل سریع موشکی و اعزام واحدهای کماندویی برای انهدام منابع بالقوه و بالفعل تهدیدات کشورهای همسایه و منطقه می باشد. به عبارت دیگر در این فرض، این رژیم تهدیدات را در آن سوی مرزها جستجو می کند که لازم می داند با توسعه کمی و کیفی شدید نیروی انسانی، تغییر و توسعه در سازمان نیروهای مسلح و دسترسی به فن آوری و تجهیزات نظامی مدرن و فوق مدرن برتری خود را حفظ کند. (محمدی، ۱۳۸۹)

۲. تهدیدات نامتقارن (موشکی - چریکی):

جنگ نامتقارن در اصطلاح به نبردهایی گفته می‌شود که طرف‌های درگیر در آن از توانایی نظامی یکسانی برخوردار نیستند و بر خلاف جنگ‌های کلاسیک فرمول مشخصی برای موقعیت‌های خاص نظامی ندارند بلکه از عملیات گوناگون، معمولاً برای استفاده از عامل غافلگیری برای ضربه زدن به دشمن استفاده می‌شود.

در تاریخ چهارم ژوئیه ۲۰۰۵م مرکز مطالعات استراتژیک بگین - سادات در اسرائیل یک سمینار علمی پیرامون «بررسی چالش‌های امنیتی اسرائیل در محیط جدید امنیتی خاورمیانه پس از ۱۱ سپتامبر» تشکیل داد که در آن پژوهشگران متعددی به ارائه مقاله پرداختند. اکثر ارائه‌دهندگان مقاله ضرورت تعریف جدید از محیط امنیتی اسرائیل غاصب را خواستار شدند و در آن میان «جاناتان اسپیر» صاحب کتاب "درک شبکه‌های ترور"، خواستار بازنگری در استراتژی امنیت ملی اسرائیل شد و در مقاله خود سه نوع تهدید از جمله تهدیدات سنتی، تهدیدات نامتقارن موشکی و تهدیدات تروریستی را تهدیدات مهلک علیه امنیت ملی این رژیم نام برد. مرکز مطالعات استراتژیک رژیم صهیونیستی نیز با انتشار مقاله‌ای توجه مقامات ارشد اطلاعاتی و نظامی آن کشور را به تهدیدات نوظهور از جمله تهدیدات چریکی جلب می‌کند و در نهایت «ژنرال دان هالوتز» فرمانده سابق نیروی هوایی و رئیس ستاد مشترک ارتش اسرائیل با درک تهدیدات نوظهور با ارائه رویکرد امنیتی - نظامی در خصوص جنگ‌های چریکی، حملات پیشدستانه و پیشگیرانه هوایی و موشکی علیه رهبران گروه‌های چریکی فلسطینی در نوار غزه و کرانه باختری رود اردن اهداف گروه چریکی حزب ا... لبنان را تجویز می‌کند که رسانه‌های اسرائیلی از طرح‌های ضربتی ژنرال هالوتز علیه تهدیدات نامتقارن چریکی به عنوان «انقلاب هالوتز» نام می‌برند.

در هر صورت تهدید چه در نوع کلاسیک آن و چه در نوع نامتقارن آن یک فرض مسلم در استراتژی امنیت ملی رژیم صهیونیستی است. (محمدی، ۱۳۸۹)

– مفهوم تهدید در رژیم صهیونیستی:

در ادبیات جدید امنیت ملی رژیم صهیونیستی مفهومی بنام «سه حلقه تهدید» مطرح است که شامل حلقه‌های «درونی»، «بیرونی بلافصل» و «بیرونی دوردست» نامبرده می‌شود.

در حلقه درونی پتانسیل و عمل تهدید از جانب مردم فلسطین و گروه‌های مبارز و نیز دولت حماس است. حتی عملیات چریکی حزب... در جنوب لبنان نیز در درون این حلقه ترسیم شده است.

در ادبیات نظامی اسرائیل، درگیری نظامی با ملت فلسطین و گروه‌های جهاد اسلامی و حماس به مأموریت‌های امنیتی «جاری» یا «باتاش» موسوم است. (کرمی، ۱۳۸۶: ۲۴ تا ۴۲)

۱. فلسطینیان و حلقه اول تهدید:

اسرائیلی‌ها معتقدند «کشور اسرائیل "غاصب" از اتباعش تشکیل نشده بلکه دولت مستقل مردم یهود است» از طرفی مردم یهود فقط آنهایی نیستند که در اسرائیل "غاصب" اقامت دارند، بلکه شامل سایر یهودیان نیز هست. با این توضیح ملت اسرائیل "غاصب" چیزی جز مردم یهود نیست». (نوام چامسکی، ۱۳۶۹: ۵۸)

با توجه به بیان فوق چند نکته زیر در خصوص مفهوم تهدید در رژیم صهیونیستی در حلقه اول قابل استنتاج است:

نکته اول: کشور اسرائیل "غاصب" از اتباعش تشکیل نشده بلکه "دولت مستقل مردم یهود" است. با این توصیف نژادپرستانه همه نژادها و مذاهب دیگر اعم از مسلمانان، مسیحیان، اعراب و... نه تنها جزو شهروندان اسرائیل "غاصب" قلمداد نمی‌شوند بلکه تهدید همیشگی علیه دولت و ملت یهود خواهند بود.

آنها با اشاره به روایتی که در سفر یوشع و جاهای دیگر درباره کشتارهای دسته جمعی آمده است، توضیح می‌دهند که باید از آنچه حضرت یوشع بدان باور داشته پیروی کنیم و می‌گویید «تورات فرمان می‌دهد که اسرائیل را با مرزهای دقیقش تسخیر، تصرف و در آن سکنا کنیم... رها کردن آن برای اجانب (غیر یهودیان) منع شده است... در این سرزمین جایی نیست تا مردم اسرائیل همراه با اقوام دیگر بسر برند، معنی عملی [فرمان] تصرف سرزمین، مستلزم بیرون راندن مردمی است که در آنجا زندگی می‌کنند و سعی دارند مانع از سکنا گزیدن یهودیان جهان در آنجا شوند... از دیدگاه آنها دولت اسرائیل "غاصب" فقط یک مرحله از تحقق یافتن صهیونیسم بوده و نقش آن آماده کردن زمینه گسترش در همه مناطق فوق [فلسطین، سوریه، مصر و...] خواهد بود.

نکته دوم: ملت اسرائیل "غاصب" چیزی جز مردم یهود نیست. با این تعریف مرجع امنیت علاوه بر دولت اسرائیل "غاصب" شامل مردم یهود ولو اینکه جزء اتباع اسرائیل "غاصب" هم نباشد شامل می‌گردد در واقع امنیت مردم یهود که در سراسر جهان نیز اقامت دارند را شامل می‌شود. (همان، ۲۰۰ - ۲۰۹)

با توجه به مطالب فوق حضور فلسطینیان و اعراب در محدوده سرزمینی اسرائیل "غاصب" نه تنها هیچ حق شهروندی را برای آنها در پی نخواهد داشت بلکه به عنوان عوامل تهدید کننده امنیت ملی اسرائیل "غاصب" (اعم از دولت و یا شهروندان یهودی) تلقی خواهد شد و تهاجم بر آنها با هر وسیله و ابزاری از جمله اقدامات نظامی جایز خواهد بود. چنانچه اسرائیل "غاصب" بعد از عقب نشینی از غزه و متعاقب آن بعد از انتخابات آزادانه مردم فلسطین، هیچ فرصتی به حماس نداد و از روز اول پیروزی حماس، غزه به محاصره درآمد و آمریکا و اروپا هم به این محاصره پیوستند و حتی به حماس این فرصت را ندادند تا در مورد تشکیل دولت و نقش رهبری فرصتی پیدا کند.

۲. حلقه دوم تهدید (تهدید منطقه ای)

موجودیت و مشروعیت رژیم غاصب اسرائیل از بدو پیدایش تاکنون هیچگاه بوسیله دولت و ملت‌های منطقه به رسمیت شناخته نشده است و از طرفی ماهیت توسعه طلبانه و تجاوزکارانه این رژیم نسبت به کشورهای منطقه، محیط امنیتی مبتنی بر تهدید نظامی برای این رژیم در منطقه شکل گرفته است و به عنوان یک تهدید دائمی برای این رژیم تلقی می‌شود. لذا اسرائیل همواره نسبت به برهم خوردن تعادل قدرت نظامی همسایگان و کشورهای منطقه حساس و واکنش نشان می‌دهد و هر گونه تغییر اساسی در قدرت نظامی کشورهای منطقه را به منزله تهدید و تغییر وضع امنیتی منطقه تلقی می‌کند و برای حفظ برتری مطلق نظامی خود از یک طرف با توسعه کمی و کیفی شدید قدرت نظامی خود می‌پردازد و از طرفی با تجاوزات نظامی و اقدامات خرابکارانه جاسوسی، از برتری نظامی کشورهای منطقه جلوگیری می‌کند تا برتری خود را حفظ کند. بطوریکه این رژیم با وسعت اندک و جمعیت کم امروز پنجمین ارتش دنیا را داراست. (حمدالفتاوی، ۱۳۸۶: ۱۳۰)

به اعتقاد صهیونیست‌ها تا زمانیکه جنبش صهیونیست به سمت توسعه و رشد در حرکت است، ناگزیر باید ژست تهاجمی به خود بگیرد و دستگاه نظامی برای تحقق این مهم از بذل منتهای توجه خویش که مشمول جنگیدن و تجهیز برای جنگ است دریغ نورزیده و بطور بی سابقه‌ای برای ترویج فرمان‌های دینی - نظامی تلاش می‌کند تا آن را به جزئی از زندگی سربازان تبدیل کند. مورخان رژیم صهیونیستی با هدف ریشه دار ساختن اندیشه نظامی، حداکثر تلاش خود را برای نوشتن تاریخ یهود و پیوند دادن نبردهای عبرانی در گذشته دور با جنگهای دولت اسرائیل غاصب در عصر نوین کرده‌اند تا القا کنند وضعیت فعلی ادامه گذشته و جنگ واقعیتی گریزناپذیر برای به انجام رساندن رسالت یهودی است.

۳. حلقه سوم تهدید (تهدید جهانی)

«عبدالوهاب المسیری» در «دایره‌المعارف یهود، یهودیان و صهیونیسم» با انگشت‌گذاری روی فلسفه وجودی شکل‌گیری رژیم صهیونیستی، تصریح می‌کند که این واحد سیاسی، اساساً بر مقتضای فرآیند تاریخی - طبیعی مشخصی شکل نگرفته بلکه به صورت مصنوعی و با تأکید عمده بر وجود ناامنی برای یهودیان در گستره جهانی و حتی تلاش برای تولید ناامنی به منظور تهییج ایشان جهت مهاجرت به سرزمین اشغالی - پدیدار شده است. (متقی، ۱۳۹۱)

نتیجه‌گیری

نظام سیاسی رژیم صهیونیستی متأثر از نظام سیاسی انگلیس است و ملی از سنت‌های ریشه‌دار و استوار آن گونه که نظام سیاسی انگلیس از آن برخوردار است، بهره‌مند نیست و نظام سیاسی این رژیم مانند نظام سیاسی آمریکا هم نیست که پشتوانه قانون اساسی داشته باشد و تاکنون قانون اساسی در رژیم صهیونیستی شکل نگرفته است و وجود خارجی ندارد. به جای قانون اساسی مجموعه از قوانینی را تدوین کرده‌اند که وظایف نهادهای مختلف دولت و سایر نهاد‌های رسمی آن را مشخص می‌سازد و پارلمان رژیم صهیونیستی به تدریج این قوانین را به تصویب می‌رساند و به آن وجه قانونی می‌دهد.

رژیم صهیونیستی تاکنون با ماهیت غاصبانه و حضور در یک منطقه نامتجانس از لحاظ هویتی که تاکنون پذیرش لازم نه تنها از طرف ملت‌های منطقه بلکه حتی

دولت‌ها هم آنرا نپذیرفتند، توانسته است با رویکرد نظامی گری البته با حمایت فراگیر و همه‌جانبه غرب به حیات خود ادامه دهد و با توجیه حفظ بقا و موجودیت خود تمام اعمال و رفتارهای جنگ طلبانه و خشونت‌آمیز خود را توجیه کند و اگر نبود چنین رویکردی با توجه به ماهیت غاصبانه این رژیم مدت‌ها پیش از بین رفته بود. در واقع حفظ و بقا این رژیم تاکنون محصول اتخاذ رویکرد رئالیسم و نظامی‌گری در برخورد با پدیده‌های تهدیدآمیز و ناامن ساز بوده است.

این رژیم در مواجهه با مسئله فلسطین؛ مقاومت اسلامی منطقه و تحولات جهان اسلام و تهییج افکار عمومی دنیا، دچار چالش‌ها و معضلات فراوان امنیتی است که می‌تواند آن را به اضمحلال و نابودی بکشاند. در واقع این رژیم امنیت را ابتدای موقعیت از طریق نظم و قاعده (قاعده سازی امنیتی) می‌داند. این قاعده (به زعم این رژیم) در صورت تحقق واقعی و تمام عیار می‌تواند مفهوم امنیت را به یک درک بیناذهنی برای مخاطب‌ها و بازیگران ساحت مورد تهدید و رقابت تبدیل سازد.

بر اساس آنچه که در بررسی‌های به عمل آمده حاصل گردید، مشخص گردید که بعد سیاسی مکتب ج.ا.ایران با تأثیر بر مولفه‌های کاتالیزور عناصر نقشه ساختاری و ملزومات امنیتی رژیم صهیونیستی بر میزان چالش‌های امنیتی رژیم صهیونیستی افزوده و اثرگذار بوده و فرضیه پژوهش اثبات گردیده است.

نتایج اثر شاخص بعد سیاسی مکتب امنیتی ج.ا.ایران بر چالش‌ها و تهدیدهای امنیتی رژیم صهیونیستی به شرح ذیل بیان می‌گردد.

مخدوش شدن چهره و اعتبار سیاسی این رژیم در افکار عمومی جهان
نمایان شدن تعارض سیاست‌ها و اقدامات آن رژیم با ارزش‌ها و هنجارهای
بین‌المللی و بشری برای مردم جهان

تهدید روز افزون وجودی رژیم صهیونیستی منجر به افزایش اقدامات متعارض
این رژیم با ارزش‌های انسانی و هنجارهای بین‌المللی شده است

تهدید روز افزون و جودی رژیم صهیونیستی منجر به افزایش شکاف‌های
اجتماعی و کاهش انسجام درونی جامعه ژله‌ای رژیم صهیونیستی و افزایش مهاجرت
معکوس در سرزمین‌های اشغالی شده است

تقویت نگرش مبارزه و آزادسازی فلسطین، نگرش های اسطوره گرایانه رژیم صهیونیستی را به چالش کشیده و انسجام درونی این رژیم را کاهش داده است شکست هیمنه رژیم صهیونیستی در چهار جنگ اخیر از سال ۲۰۰۶ م تاکنون چالش ها و تهدیدهای نظامی امنیتی در حلقه اول و دوم تهدید افزایش داده است. اثبات کارآمدی اتکاء به خود و اتحاد در برابر دشمنان در مبارزه و پایبندی به قاعده نفی سبیل باعث کاهش توانمندی مقابله ای رژیم در برابر گروه های مقاومت و افزایش چالش ها و تهدیدهای نظامی امنیتی در حلقه اول و دوم تهدید شده است.

منابع

- امام خمینی(ره)، صحیفه نور ج ۷ ص ۴۸.
- بوزان، باری(۱۳۷۸)، «مردم دولت‌ها و هراس»، ترجمه پژوهش‌شکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهش‌شکده مطالعات راهبردی.
- تقی پور، محمد تقی (۱۳۸۳)، استراتژی پیراهونی اسرائیل، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- ثابت، علی «تله دکترین امنیتی برای صهیونیست‌ها» مقاله اینترنتی
[http:// www.sokhane-ashena.com/index.php/articles-\(blog/3075-2014-09-02-08-26-23](http://www.sokhane-ashena.com/index.php/articles-(blog/3075-2014-09-02-08-26-23)
- جنتی، علی (۱۳۸۵)، ساختار دولت صهیونیستی اسرائیل، موسسه ابرار معاصر تهران.
- چامسکی، نعام (۱۳۶۹)، مثلث سرنوشت ساز، ترجمه عزت‌الله شهیدا، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- حمدالفتلاوی، مهدی (۱۳۸۶) سقوط اسرائیل، ترجمه و تحقیق محمد باقر ذوالقدر، چاپ سوم، تهران: موسسه بوستان کتاب.
- ره‌پیک، سیامک (۱۳۸۷)، تهدیدات قدرت ملی (شاخص‌ها و ابعاد)، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- سخرانی مقام معظم رهبری - ۱۹ دی ۱۳۹۱
(<http://javadghorban.parsiblog.com/posts/2865>)
- عبدا... خانی، علی(۱۳۸۳)، «نظریه‌های امنیت» مقدمه‌ای بر طرح ریزی دکترین امنیت ملی، چاپ دوم، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی و تحقیقات بین‌المللی ایران معاصر.
- عبدا... خانی، علی(۱۳۸۶)، تهدیدات امنیت ملی (شناخت و روش)، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ایران معاصر.

عنبر، افرایم، (۱۳۸۸)، امنیت ملی اسرائیل، مترجم، حمید نیکو، موسسه اندیشه سازان نور.

غرالحکم ج ۵ ص ۳۴۴.

قوام، عبدالعلی (۱۳۷۰)، اصول سیاست خارجی و سیایت بین الملل، انتشار سمت. کرمی، جهانگیر (۱۳۸۶)، دکترین نظامی اسرائیل، تهران: موسسه مطالعات اندیشه سازان نو.

متقی، ابراهیم (۱۳۹۱/۱۰/۱۹) «هستی شناسی امنیتی رژیم صهیونیستی» مقاله اینترنتی

http://

(www.hamshahrimags.com/NSite/FullStory/Print/?Id=24806)

مرتضی، احسان (۱۳۸۷)، جنگ ۳۳ روزه (اهداف و پیامدها)، ترجمه حسین فاضلی - سفید رو، تهران: پژوهشکده تحقیقات اسلامی.

محمدی، آرمین (۱۳۸۹)، «جنگ نامتقارن در اصطلاح به نبرد» مقاله اینترنتی. مؤسسه مطالعات فلسطینی، (۱۳۸۷)، سیاست و حکومت رژیم صهیونیستی، ترجمه مرکز مطالعات و تحقیقات اندیشه سازان نور، چاپ اول، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

یزدان فام، محمود (۱۳۸۶)، «دگرگونی در نظریه ها و مفهوم امنیت بین المللی» فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۱۰، شماره ۳۸.